بسمه تعالی

جزایر سازگاری، متابولیکی و چند ده جزیره ماندگاری و رانت خواری

نوشته نادر حسن زاده

باکتریها بعنوان موجودات زنده تک سلولی روی ژنوم یا ماده ژنتیکی خود دارای چندین جزیره ژنومی هستند. خود جزایر ژنومی از چندین جزیره مختلف تشکیل شده اند که از معروف ترین آنها می توان به جزایر بیماریزائی (pathogenicity islands)، جزایر انطباق و سازگاری (fitness islands)، جزایر همزیستی (symbiosis islands)، جزایر مقاومت به آنتی بیوتیک ها (antimicrobial resistance islands) و جزایر متابولیکی (metabolic islands) اشاره نمود.

این جزایر بصورت موزائیکی روی ژنوم قرار دارند و تعداد آنها ممکنست در یک سلول باکتری بین یک تا چند جزیره از یک نوع یا انواع متفاوت آن متغیر باشد. لذا به چند جزیره مشابه بیماریزائی جزایر بیماریزائی گفته می شود. انتخاب نام این جزایر و جزایر دیگر به سبب کارکرد آنها در تعامل با میزبان خود و یا محیط اطراف خود است. وجود این جزایر سبب انعطاف پذیری و قابلیت بیشتر ژنوم در جهت تکامل و سازگاری آنها با محیط های ویژه اکوژیکی یا نیچ (niche) است. بطورمثال:

– باکتریهائی که دارای جزایر بیماریزائی هستند: این باکتریها به سبب داشتن ژنهای بیماریزائی در جزیره یا جزایر بیماریزائی خود قادر هستند روی میزبانهای مختلف (انسان، گیاه، جانور و..) ایجاد بیماری بکنند.

– باکتریهائی که دارای جزیره متابولیکی هستند: این باکتریها حاوی ژنهای مرتبط با اخذ غذا و مواد انرژی زا چون کربن(اشتباه نشود با انواع ترکیبات هیدروکربنی موجود در نفت خام که این کربن ها توسط رانت خواران و ویژه خواران کل جهان اسلام مصرف می شود) از میزبانهای خود هستند.

– باکتریهائی با جزایر انطباق و سازگاری (fitness islands): اوج ظلم بر میزبان زنده است. زیرا باکتریهای دارنده این جزایر قادر به هر نوع سازگاری با محیط اطراف خود و شرایط میزبان خود هستند. جزایر انطباق مافوق جزایر است. به تعبیر من جزیره شیطان است! این باشد بقیه حل است!! مصداق چون صد آمد نود نیز نزد ماست. هدف این مقاله ارائه تعاریف جدیدی از جزایری است که تفاوت چندانی با جزایر جغرافیائی ندارند. محلی هائی هستند دور اما امن برای انجام هر کاری و رسیدن به هر جائی!

این مقاله مربوط به سلطان بن سلطان های بعد از انقلاب است. رکوردش روزانه است. جرایمش بی سابقه است. امتیاز دریافت امضاهای طلائی دولت برای رانت خواری ایشان از اول انقلاب است.

تاریخ نشر ۱۳۹۵/۶/۱۲. تاریخ نوزدهمین نسخه بازبینی ۱۳۹۹/۷/۲۳

hasanzadehr@yahoo.com

جزایر سازگاری، متابولیکی و چند ده جزیره دیگر جزایری برای ماندن و خوردن (بیت المال)

شب زنده دار

(۱۳۹۷/۱/۲۹)

کسی را در زنند دوازه دارد

کسی را سر زنند شب زنده دارد

بخوابد روز و شب افسرده دارد

بمیرد روز و شب هنگامه دارد



جزیره آدم خوارها



جزیره کیش

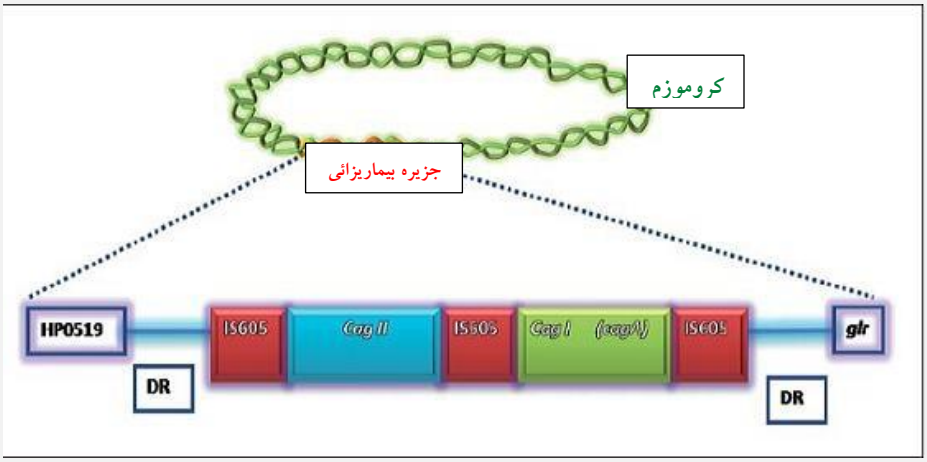

جزیره بیماریزائی در باکتری عامل سرطان دستگاه گوارش (Arévalo *et al.*,2009)

(قسمت بالای تصویر که به شکل مارپیچی و به رنگ سبز است ساختمان کرموزوم باکتری را نشان می دهد. نواحی قرمز روی کروموزم مربوط به موقعیت ساختمان جزیره بیماریزائی روی کروموزم است. در قسمت پائین تصویر اجزای تشکیل دهنده یک جزیره بیماریزائی را که با رنگ های مختلف مشخص شده است و هر کدام نقش ویژه ائی در ایجاد بیماریهای مختلف گیاهی، انسانی و دام دارند را نشان می دهد).

- در مورد باکتریها در مقالات مختلف این سایت بحث های مختلفی صورت گرفته است و ابعاد مختلف آن با انطباق با مباحث دینی و معضلات اجتماعی تشریح شده است. اجمالا باکتریها بعنوان موجودات ساده و ابتدائی دارای سلول کوچک با ژنوم کوچک هستند. اندازه سلول باکتریها حداکثر ۵ میکرومتر و انسان حداقل ۱۰۰ میکرومتر است. باکتریها تک سلول هستند اما انسان پرسلول و در بدن خود حدود ۳۷ تریلیارد سلول را جای داده است.
- در این مقاله من به یکی دیگر از ویژگی باکتریها می پردازم تا به این نکته مهم تاکید کنم **که اگر یک تک سلولی ابتدائی با یک تک کروموزم دارای چنین ویژگی است چرا انسان که اینd (end) همه است، دارای ۲۳ جفت کروموزم است و حدود ۵۰ هزار ژن فعال و به تبع آن خلاقیت های او بی نهایت است و قدرت تطابق او در هر شرایط محیطی فوق العاده است چه این جزایر را داشته باشند یا نه؟ عملا رفتارهای سر زده از او نشان می دهد که او دارای چندین مجمع الجزایر است! اگر نگوئیم یک کشور بزرگ با صفات خوب و بد است.**
- اگر علم، رفتارهای این یک تک سلولی را رصد می کند و برای مدیریت آن برنامه ریزی می کند چرا ما باید از این انسان و عملکرد چند بعدی–چندوجهی او غافل باشیم؟ چرا از سوء مدیریت بعضی مدیران خود غافل باشیم؟ چرا فقط

ظاهر بین باشیم؟ چرا اجازه بدهیم ایشان به گوش ما وز وز کنند! قلب پشت زبان او را نشناسیم. خدا که روز قیامت به زبان اجازه حرف زدن نمی دهد چرا ما برای دلخوشی خود به زبان او کلمات پرچرب و نرم جاری کنیم؟ این به زبان علم یعنی فعال کردن جزایر شیطانی ایشان. جزایری که ورود به آن از جزایر آدم خواران هم خطرناک تر و دلهره آور تر است. و بالاخره تا کی باید چوب که از ماست که برماست را بخوریم؟

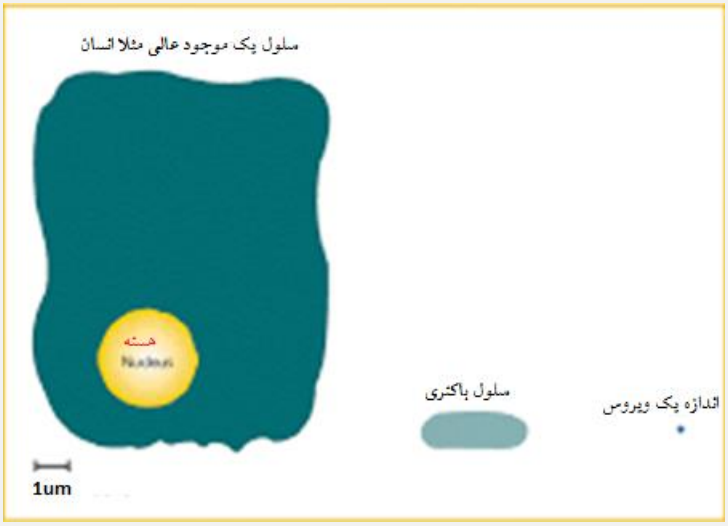

مقایسه اندازه یک سلول باکتری (پروکاریوت) با یک سلول ایوکاریوتی (مثل انسان) و ویروس بعنوان یک موجود نیمه زنده.

- **جزایر ژنومی و انواع و اقسام آن:**
- هر سلول باکتری روی ژنوم خود دارای چندین جزیره ژنومی است. خود جزایر ژنومی از چندین جزیره دیگر (زیرگروه) تشکیل شده اند که از معروف ترین آنها جزایر بیماریزائی (pathogenicity islands)، جزایر انطباق و سازگاری (fitness islands)، جزایر همزیستی (symbiosis islands)، جزایر مقاومت به آنتی بیوتیک ها و مواد سمی (antimicrobial resistance islands) و جزایر متابولیکی (metabolic islands) هستند. نام هر جزیره یا جزایر موید کارکرد آنهاست. بطورمثال باکتریهائی که دارای جزایر بیماریزائی هستند به دلیل داشتن ژنهای بیماریزائی مهم در این جزیره قادر هستند روی میزبانهای مختلف (انسان، گیاه، جانور و..) ایجاد بیماری بکنند. جزیره متابولیکی برعکس به قابلیت تهیه، جذب و هضم مواد غذائی در اختیار میزبان معروف هستند.
- علاوه بر جزایر فوق که اندازه آنها روی ژنوم که اغلب بین ۲۰۰-۱۰ کیلو باز است (به استثنای جزایر همزیستی که اندازه آنها تا ۵۰۰ کیلوباز است) تعدادی از باکتریها دارای جزایر خیلی کوچک در اندازه های کمتر از ۱۰ کیلو باز هستند. به این جزایر کوچک در زبان انگلیسی islets می گویند.
- **سه مشخصه مهم جزایر ژنتیکی عبارتند از:**

جزایر سازگاری، متابولیکی و چند ده جزیره دیگر جزایری برای ماندن و خوردن (بیت المال)

۱. قدرت بالای انتقال جانبی کل جزیره است. به عبارت دیگر، یک سلول واجد یک جزیره براحتی می تواند جزیره یا جزایر خود را به سلول فاقد آن منتقل کند و سلول جدید را صاحب جزایر مختلف بکند.

به عبارت دیگر به مثابه خانه عنکبوت است.

علت این راحت کنده شدن جزیره از یک سلول به سلول دیگر، داشتن درصد بیشتر پیوندهای سست دو گانه (A=T) در مقایسه با پیوندهای محکم سه گانه (G=C) در این ناحیه دی ان آی ژنومی است. پس هرچه DNA یک سلول زنده حاوی GC (آمینه اسیدهای گوانین و سیتوزئین) بیشتر باشد آن ژن یا ژنوم پایدارتر است. محافظت شده تر است. کمتر در معرض آسیب است. برعکس، هرچه DNA یک سلول زنده حاوی بیشتر AT (آمینه اسیدهای آدنین و تیمین) باشد آسیب پذیر است. بی پناه تر است. سست بنیادتر است. هکذا در مورد جزایر: هرچه محتوی GC یک جزیره کمتر باشد، کنده شدن آن جزیره راحت تر است.

در مورد جزایر بیماریزائی مقدار GC در همه مواقع کمتر از ۴۰٪ است. یعنی ۶۰٪ آن از ساختارهای سست و کمتر از ۴۰٪ آن از ساختارهای محکم تشکیل شده است.

معلوم است چنین ساختاری (اگر آن را با یک انسان مقایسه کنیم) قابل اعتماد نیست. منتظر شکار لحظه هاست. منتظر رفتن به آن سوی آبهاست. می دزد که ببرد. می ماند که دیگران را فاسد بکند. می ماند دین خدا را به سخره بگیرد. لذا یک روز با تو و روز دیگر علیه توست. یک منافق کامل است. گرفتاری روز جمهوری اسلامی ایران است.

۲. باز در خصوص جزایر بیماریزائی، با انتقال این جزایر شیطانی یا بیماریزائی، سیستم های تراوشی که عامل مهم بیماریزائی در باکتریها هستند و روی این جزایر قرار دارند به سلول جدید منتقل و آن را از هر جهت توانمند ایجاد بیماریزائی می کند،

۳. اغلب جزایر ژنومی حامل فاژها و پلاسمیدها و بسیاری از ژنهای فعال و بظاهر غیر فعال هستند که نقش مهمی در انتقال و عملکرد جزایر به سلولهای جدید دارند.

بطور مشخص نقش عمده فاژها انتقال جزایر مختلف و نقش پلاسمیدها انتقال ژنها یا فاکتورهای باروز (F^+ plasmid) به سلولهائی است که قدرت باروری ندارند (F^- plasmid) اما در اثر تعامل جنسی دو سلول باکتریائی این ژنها از طریق پلاسمید وارد سلول غیر بارور شده و آن را بارور می سازد (F^+ plasmid). بنابراین در انتقال جزایر فقط یک جزیره منتقل نمی شود بلکه انواع و اقسام ژنهای شناخته شده و نشده منتقل می شوند. از این جهت انتقال جانبی (غیر جنسی) ژنها بعد از جهش ژنی مهمترین عامل تکامل و به روز شدن در سلول باکتریهاست.

- اگر همه این موارد متقن علمی را باور داشته باشیم می پذیریم در بیت المال خوری خیلی عوامل و خیلی دستهای پنهان و آشکار دست اندرکار این مفسده های ضد بشری، ضد اسلامی و ضد مصالح ملی هستند و هرچه رقم اختلاس ها و

تبهکاریها و توطئه ها درشت تر باشد افراد بیشتری از دانه درشت ترها در به سامان دادن آنها نقش دارند. یعنی که از ماست که بر ماست. یعنی مبارزه با این مفاسد غیرممکن است.

اینها رژیم عوض می کنند. به قدر کافی مستظهر به نیروهای داخلی و خارجی هستند که بشود ریشه کن کرد. دشمنانی هستند قسم خورده در جلد دوست! اینقدر در این سالها فرصت داشتند هم خود را فاسد کنند، هم فرزندان خود را و هم اقشار وسیعی از جامعه را شریک جرم خود کنند. شرکائی که تازه به دوران رسیده بودند، سپر بلا بودند، نوکیسه بودند، ظاهری عوام فریب داشتند. راه های تطمیع و تهدید را بلد بودند و اگر احیانا سر و کارشان به دادگاه می افتاد راه گریز را از وکلائی زبردست خود می آموختند.

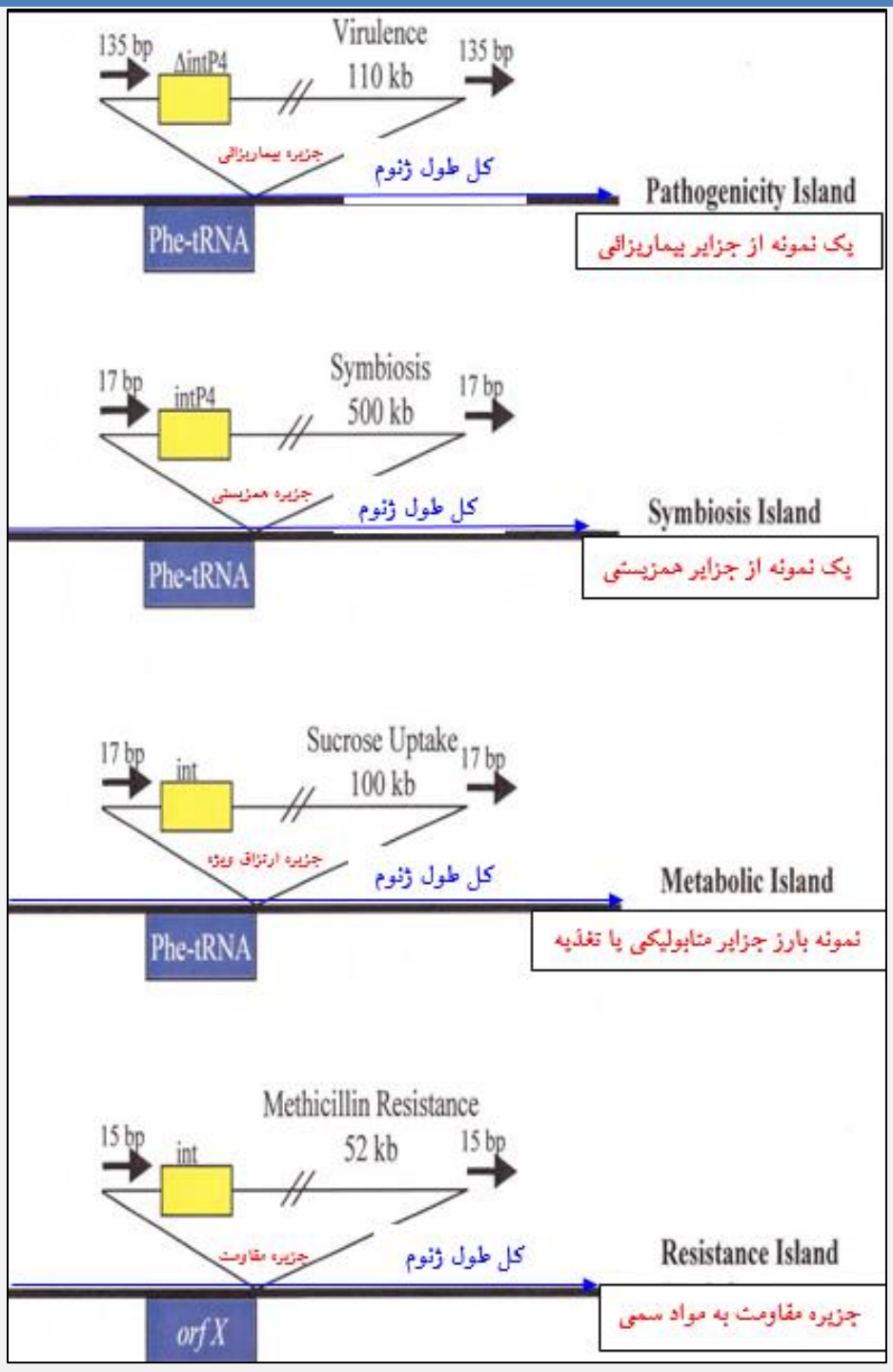

چهار نوع از جزایر شناخته شده در باکتریها: هرچه تعداد و تنوع جزایر در یک سلول باکتری بیشتر باشد قابلیت سازگاری، حمله، بیماریزائی، مقاومت به آنتی بیوتیک ها و غیره در باکتریهای حامل آنها بیشتر می شود و هزینه مهار و کنترل این نوع باکتریهای مجهز به انواع جزایر سنگین تر و پرمخاطره آمیزتر خواهد بود. زیرا اینها دارای ژنهای مقاوم به انواع مواد سمی هستند. در شکل بالا، اندازه این جزایر روی مثلث با واحد کیلوباز (**KB**) نشان داده شده است. طول کل ژنوم باکتری به صورت خط تیره ضخیم مشکی مشخص است.

- اما برای من مهمترین جزیره، جزیره انطباق و یا سازگاری (fitness islands) است. زیرا این جزیره به باکتریهای حاوی ژن های انطباق این فرصت را می دهد که شرایط محیط/میزبان خود را به بهترین وجه ممکن تحمل بکنند. به تدریج در میزبان خود نفوذ کرده، در بافت های آنها مستقر بشوند. با پیشروی در عمق سلول میزبان، دیگر جزایر را فعال کنند که جزایر تغذیه یا تامین مواد غذائی (metabolic islands) یکی از آنهاست.

۱. این تطابق اگر به صرف تطابق باکتریها با شرایط محیطی اطراف خود باشد از نوع تطابق یا سازگاری اکولوژیکی (ecological islands) است. همه باکتریها برای ادامه بقای خود به آن نیاز دارند.

۲. اما اگر چنانچه در تعامل با میزبان خود باشد شامل انواع سازگاری ها از جمله سازگاری های ساپروفیتی (saprophytic islands)، همزیستی (symbiosis islands)، و بیماریزائی (pathogenicity islands) می شود. بنابراین جزیره انطباق و یا سازگاری (fitness islands) به یک معنا ام الفساد است! بصورت موقت یا دائم در درون سلولهای میزبان مستقر می شود و در بزنگاه های حیاتی زمینه ورود و فعالیت دیگر جزایر ژنومی را فراهم می کند. مصداق مثل چون صد آمد نود نیز نزد ماست هست.

وقتی همه جزایر فعال شدند تازه جزایر مقاومت به آنتی بیوتیک ها (جریمه نقدی، عودت اموال مسروقه و حبس و دیگر مجازات ها) سر بر می آورد که نشان از وجود ارتباطات قوی و پنهانی چندین ده ساله افراد خناس و نسناس در طول این مدت با پیوندهای سه گانه است. این یعنی آخر کار میزبان! دیگر برای میزبان راه درمانی متصور نیست. میزبان نا آگاه یا مغرور مصداق عینی این شعر فردوسی می شود که به یک گردش چرخ نیلوفری/نه نادر به جا ماند و نه نادری.

- همانطوریکه در بالا آمد علت علاقه من به این جزیره (جزیره انطباق و یا سازگاری)، تبلور عینی و ملموس آن در روابط اجتماعی و جریانهای سیاسی کشور ما، کشورهای اسلامی و کلا خاورمیانه است. لازم به یادآوریست این جزایر تاکنون در ژنوم انسانها یافت نشده است اما جرم هائی که از این دوپایان مسلمان و غیرمسلمان صادر می شود آدم را به این فکر وا می دارد که حضرات قطعا به جای جزایر باید دارای مجمع الجزایر فساد باشند.
- وضعیت سایر مناطق دنیا به من مربوط نیست زیرا ۱) آنها اهرمهای نظارتی متعدد و هوشمندی دارند، ۲) مدعی دینداری نیستند، ۳) موجب هتک حرمت امامان شیعه که خط قرمز اهل تشییع است نمی شوند، از خودی خوردند دیگر زور دارد! اقلیت شیعه را در مظان اتهام قرار دادن نهایت ظلم است، ۴) به اندازه کافی جرم بی آبرو شدن در جوامع پیشرفته بر ایشان سخت و نفس گیر است که خیلی ها را وادار به استعفا تا خودکشی می کند.
- **در مورد کشور ایران جزیره انطباق ریشه در تاریخ کشور ما دارد.** هر کسی خود را با نظامات مسلط کشور منطبق کرد بیشتر حاشیه امنیتی پیدا کرد، بیشتر به منافع فردی/قومی خود رسید، بیشتر سود برد.

اما انتظار ما از انقلاب اسلامی که وقوع اش در زمان خود یک پشتوانه ملی و یک معجزه الهی بود و دهه ها برای تحقق آن جان و مال فراوانی نثار شده بود این نبود که به این زودی این جزایر ناچیز (ناچیز از بعد اندازه آنها نسبت به کل ژنوم. اندازه این جزایر بین ۵۰۰-۲۰۰ کیلوباز و اندازه کل ژنوم بین ۶-۴ هزار کیلوباز. کیلوباز واحد اندازه گیری طول اسیدهای هسته است و مقدار آن مساویست با هزارجفت باز) فرصت کنند تبدیل به دریا بشوند! یک ارزش بشوند! ثبت تاریخی بشوند.

چه بسیار افراد بی اعتقاد به اسلام به سبب داشتن این جزایر در همین نظام اسلامی به همه مراتب دنیوی (دینوی دقیق تر است! مخلوط دین با دنیا!) مورد نظر خود رسیدند. شهرت، ثروت، منزلت و.. موقعیت هائی که حتی در خواب هم نمی دیدند چه برسد در عالم بیداری!

- این ها همه به سبب ورود نفوذی های سست عنصر در بدنه همه انقلابات است. ابوسفیان اولین نفوذی به ظاهر مسلمان در صدر اسلام و برای کل عالم اسلام است. تابلوی او همیشه روشن و بدست نفوذیهای غیرمومن است و دیدیم این قوم به حج نرفته چه بلاهائی سر اسلام آوردند و می آورند.

- در ایران اسلامی بذر و نهال فساد از دوره سازندگی شروع شد. میلیاردها دلار خرج بازسازی جنگ شد. آنهم بعضا با عجله. فرصت طلبان همزمان که چند آجر را خرج عمران و آبادانی و بازسازی مناطق جنگ زده می کردند پول یک آجر را هم برای خود بر می داشتند. توجیه هم داشتند پاداش خوبی خوبی است. همه دعوت شدند به این میهمانی سبک ایرانی و نه ضیافت اللهی!

اذان این بخور بخور را آقای محمودشهریاری مجری برنامه بخور بخور باز هم بخور دهه ۷۰ داد!

نوجوانانی که برای برنده شدن باید بیش از ظرفیت شکم خود می خوردند! برنامه ای در تضاد کامل با دستورات صریح اسلام، ایران انقلابی و مغایر با دستورات سلامت و بهداشت تن و روان. امروز هم همین آقایان بر این باورند به خاطر چند تخلف نباید از سازندگی باز بمانیم.

- با این مقدمه باز رجوع می دهم نظر دلسوزان را به تعاریف جدید مسلمانی در مقاله "تکمله اسلام بذات خود ندارد عیبی/ هرعیب که هست از مسلمانی ماست" و یادآور می شوم:

۱. این مقامات منفعت طلب برای انواع تبهکارهای خود ابتدا از جزیره سازگاری استفاده می کنند.

۲. خود را که به نظام قالب کردند تا مزایای دیگر جزایر عمدتا مخرب بهره مند باشند.

۳. اگر دیدید جناب ایشان هدفی ورای دزدی دارند مطمئن باشید مجهز به انواع جزایر ساپروفیتی، همزیستی، مقاومت به آنتی بیوتیکها هستند.

۴. و چون ایشان بظاهر انسان هستند و مغزی معیوب و هوای شیطانی دارند باید به جزایر فوق، جزایر پیشنهادی دیگری نظیر جزایر تبانی، براندازی، بدنامی، جاسوسی و.. هم اضافه نمود.

۵. و چون به هر دلیلی از ساقط کردن و بدنام کردن شاخه درختی که روی آن نشستند مایوس شدند. ترک صحنه برای ایشان بهترین راه حل است. زیرا به همه چیز رسیدند الا برخورداری از ذخیره های ارزی تلنبار شده خود. با این کار دل مستمندان یارانه بگیر بیش از پیش جریحه دار می شود که ایشان را به ریالی فریفتند و خود عازم جزایر قناری شدند.

۶. چقدر باید تظاهر و چقدر مخفی کاری برای دیده نشدن.

۷. چقدر باید سوار خودروهای فرسوده از رده خارج شد؟ درحالیکه توان سوار شدن بر بنز را دارند!

۸. تا کی باید ادای مسلمانی در آورد؟

۹. تا کی باید یقه پیراهن های آخوندی دوبله پوشید؟ کی بشود کراوات زد. خدا را شکر دستمال کت جیب در سیما برای مجریان آزاد است. در مجالس عروسی تعداد بی کراوتهای محدود است. برای مدیران این دو هنوز جزو خط قرمز های نامحدود است.

۱۰. تا کی باید رو به قبله و پشت به خدا ایستاد؟

۱۱. یا از نام شهدا استفاده ابزاری کرد؟

۱۲. به من چه می خواستند جبهه نروند؟

۱۳. می خواستند زمان جنگ از کشور به یک بهانه ائی خارج بشوند.

۱۴. فوقش در سنگرهای پشت جبهه مستقر می شدند. کادر تدارکاتی می شدند. برای گرفتن فیلم و عکس یادگاری حضور پیدا می کردند.

۱۵. وقتی به رزومه هائی گناه آلود ایشان می نگری عمق فاجعه را می توانی با تمام وجود حس بکنی.

۱۶. می بینم مرتب بر لباس آدمی تاکید دارند و از نشان آدمی خبری نیست.

۱۷. ایکاش این آقایان هیچوقت مدرک دکتری نداشتند.

۱۸. اگر هم داشتند از اروپا و آمریکا نداشتند.

۱۹. اگر هم داشتند جزو بورسیه های دولتی نبودند.

۲۰. ارز خانوادگی نداشتند.

۲۱. شاگرد اول دانشگاه های بین المللی نبودند؟!

۲۲. ایشان را چند روزی همان دانشگاههای معتبر بعنوان دستیار نزد خود نگه می داشتند و روانه کشورهای آدم ندیده و دکتر زده نمی کردند.

۲۳. ایکاش کارنامه علمی واقعی و نه صوری ایشان را می شد در یک صفحه جمع بندی کرد.

۲۴. ایکاش فقط یک پست داشتند. از این اطاق به اطاق نمی شدند. رئیس فلان–دبیر بهمان نبودند.

۲۵. ایکاش اینهمه جایزه رنگارنگ بابت خدمات ویژه! از بیت المال دریافت نمی کردند (دیگر خانه های مجلل چند صدمتری ایشان جائی برای نگهداری لوح و نشانهای متعدد ملی و بین المللی نیست).

۲۶. ایکاش می شد دوربین تلویزیون را به خانه های مسکونی و نه مسکوتی و متروکی خود می بردند!

۲۷. ایکاش رقم کل دریافتی خود را خود اظهاری می کردند (نمونه از کجا آوردم).

۲۸. ایکاش می گفتند روزی دست چند مستمند و مستحق را می گیرند و یا روزی با چند مستکبر در می افتند.

۲۹. ایکاش بیت المال را به تنهائی می خوردند و با ضد انقلاب سرمایه دار ضد اسلام همدست نمی شدند.

۳۰. ایکاش تابعیت ایران را بر دو تابعیتی ترجیح می دادند.

۳۱. ایکاش روز در ایران و شب در اروپا نبودند

۳۲. ایکاش ما را آبدارچی یکی از ده ها شرکت سهامی خاص با مسئولیت نامحدود خود می کردند.

۳۳. ایکاش ما را در شادیهای خود سهیم می کردند.

۳۴. ایکاش در وقت عزاداری با ما نبودند.

۳۵. ایکاش سامری نبودند و فقط چند نفر از اطرافیان خود را گمراه می کردند و موجب بی اعتباری دین و آئین ایرانی نمی شدند.

۳۶. ایکاش توسعه کشور با تمدن و نه با تجدد همراه می شد. تجدد کور است و چون کور است چشمان هر بیننده ائی را برای مدتی کور می کند. بعد خود کور می شود و آرزوهای صاحب خود را هم به گور می برد (سبقت نور است به نور/سبقت کور است به گور). چه کنیم که مدیران ما هم از ابتدا تا به امروز تجدد خواه بودند. غوره نشده می خواستند مویز بشوند. گناه مدیران فاسد در این خصوص نابخشودنی است. اجمالا هر برجی که در تهران و شهرهای بزرگ ساخته می شود و هر خودروی آنچنانی که در سطح خیابانهای کشور تردد می کند، ما را یک قدم به تجمل و تکاثر و اشرافی گری نزدیک تر می کند، از مدینه فاضله دور و به مدینه نیویورک نزدیکتر می کند. قشری عظیمی را از اسلام بیزار و آغوش گشاده غرب را گرم تر می کند. در یک کلمه کشور را بی سپاه می کند.

۳۷. ایکاش مسلمان زاده نبودند! و چون میمون ادعای مسلمانی در نمی آوردند.

۳۸. ایکاش نام خود را متناسب نیات خود تغییر می دادند.

۳۹. ایکاش خدا به جای آن دنیا، در همین دنیا ایشان را به هیبت و صورت بوزنیه در می آورد.

۴۰. ایکاش از امانت داری دم نمی زدند. در روز معارفه خود ادعا نمی کردند درهای صندوق های ملی نفوذ ناپذیر است! و من زیر بار زور و فشار نخواهم رفت)

۴۱. ایکاش فقط بیت المال را می خوردند.

۴۲. ایکاش فقط زیر پرچم فعالان نابکار اقتصادی بودند که برای ما یک عمر از بانکداری اسلامی گفتند! بهره را سود گفتند! و سود را بهره اعلام کردند! دلارهای نفتی گرانبهای ملی را به ثمن بخس به مردم کوچه و بازار فروختند (کاری که بانک مرکزی آمریکای صاحب دلار جرات آن را نداشت) تا آنها هم با چندرغاز سود، دلارهای با ترفند خارج شده از بانک را به پرده نشینان بفروشند. بعد هم که گاو صندوقهای بانک مرکزی از ارز خالی شد رانت خواران پناه آوردند به گرفتن وام های کلان غیر قابل برگشت! ته مانده پولها هم نصیب زنجانی ها و خاوری ها شد.

۴۳. یک شعار دهه ها بود معتبر بود (هرجا که اعتماد است نام بانک ملی می درخشد) آنهم با سرقت و اختلاس سه هزار میلیارد تومانی باند محمود رضا خاوری مدیر عامل وقت بانک ملی (۱۳۹۰) نقش بر آب شد.

۴۴. چه می گویم ایکاش ریش نداشتند.

۴۵. اگر هم داشتند ریشه نداشتند (انتخابات مختلف).

۴۶. ایکاش محاسبه می شد هر موی ریش ایشان برای ایران چقدر آب می خورد! و این اواخر هر تار رنگ موی سپید ایشان برای جوان جلوه نمودن چقدر بر مردم ایران تبعات اقتصادی دارد (بیشتر مدیران ارشد کشور از بس پیر و از پا افتاده اند که فقط با رنگ مو و ریش پروفسوری خود را جوان نگه داشته اند).

۴۷. ایکاش چون آقای خاوری به محض آلوده شدن، کشور را ترک می کردند تا اسمشان خاوری (شرق) و جایشان باختری (غرب) بود (تمییز دوست از دشمن).

۴۸. ایکاش وقتی لو می رفتند ابتدا به ساکن ریش ایشان را می زدند، پیراهن یقه اسکی بر آنها می پوشاندند، عکس دیروز و امروز ایشان را برای رویت عموم تکثیر می کردند و اگر جا مهر داشتند با اشعه لیزر پاک و صاف می کردند.

۴۹. ایکاش برنامه مستند تلخ تا عسل می ساختند و برای بخش بسیار تلخ و تلخ آن از این آقایان دعوت بعمل می آوردند.

۵۰. یادمان نرود فقط آقایان نمک خورده و نمکدان شکسته سفره این کشور شیعی نیستند حاجیه خانم ها هم دست کمی از ایشان نیستند.

۵۱. همچنانکه از دامن یک زن مرد به معراج می رسد از دامن یک زن مرد به مرداب می رسد.

۵۲. این علیامخدره های چادری–مانتوئی با دو کلاس سواد فکر می کنید کشوری مانده سفر نکرده باشند؟ خیلی دور نرویم سفرهای سازمان ملل آقایان را به یاد آوریم. نماز را در هواپیما می خواندند قضا نشود و خرید را در بازار می کردند تا دیر نشود.

۵۳. ای علی که جمله عقل و دیده ائی آن روز چه شمعی برای طلحه و زبیر خاموشی کردی تا همه مسلمانان دنیا در همه اعصار حساب کار خودشان را بکنند و اگر بر هوای نفس خود مسلط نبودند یاد آهن گداخته عقیل آنها را به خود می آورد. اگر آن شمع و آن آهن گداخته امروز موجود بود فقط موزه ها و گالری ها و حراجی ها غرب مشتری آن بودند.

۵۴. چقدر در روز/ماه/سال/تمام عمر نهج البلاغه می خوانیم. شمع علی همان نهج البلاغه است.

۵۵. قرآن مانیفیست نظری اسلام و نهج البلاغه مانیفیست عملی اسلام است. بفرمایند بدرد امروز نمی خورند تا تکلیف مردم با ایشان روشن بشود.

۵۶. برای عاقبت به خیری مدیران دلسوز و صدور دستورات مختلف دولتی سه کتاب باید کنار دست ایشان باشد: قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه. قرآن برای گم نشدن، نهج البلاغه برای درست عمل کردن و صحیفه سجادیه برای به خود آمدن.

۵۷. یک نمونه عملی از تدبیر علی و سختی ادامه راه علی (دشمنانان دین بخوانند و اینقدر به اسلام تندی نکنند و دین خدا را به تمسخر نگیرند). عبارت حضرت مولی درست دو روز پس از بیعت: "همانا هر قطعه زمینی که در دوره خلیفه سوم بخشیده شده است و هر مالی که از اموال خدا به افراد داده شده است به بیت المال برمی گردانم زیرا حق پیشین را چیزی باطل نمی کند، اگر این اموال کابین زنان هم رفته باشد و در شهرها پراکنده شده باشد، به جای خود بازخواهم گردانید زیرا که در دادگری گشایش است و آنکه از دادگری به تنگ آید از ستمی که بر او می رود بیشتر به تنگ آید".

۵۸. چند سال پیش هم که اعلام شد می خواهند برای عدل کتاب جدید بنویسند! ستاد عدل تشکیل بدهند و یا رشته عدل پژوهی در دانشگاهها دایر نمایند! من با ارائه دو نظر در سایت شفقنا (۱۳۹۱/۱۱/۲۴) فایل ۲۴ به استقبال ایشان اینگونه رفتم: ای عزیز، عدل کتاب نمی خواهد مجری می خواهد. عدل حرف نیست، عمل است. عدل یعنی همه را دیدن و خود را در حد خود دیدن، در یک حد معقول آحاد جامعه را رفاه دادن.

زنگ عدالت با عمل به فرمایش قرآن "ان تودوا الاماناته الی اهلها" و به قول امروزیها "شایسته سالاری" شروع و با مسکوت گذاشتن آن خاتمه می یابد.

صدای این زنگ هر چه بلندتر آن جامعه توحیدی تر. از یک عدل، هزار عدل می روید و از یک بیعدالتی هزار دیوانخانه! عدالت از عمق شروع و در سطح پخش می شود. اجرای عدالت بوق و کرنال نمی خواهد. فرمول خاص هم نمی خواهد. کی و از کجا شروع کنیم ندارد هر چه دیرتر، محال تر! مصادیق حل بشود آرام بخش است. اصول پیاده بشود آزادی بخش است. اما علی الحساب بخشنامه کنند مدیران از این بعد منصوب مردم هستند. بهترین ها هم یک دوره بیشتر مدیریت نکنند. تبصره ها از قوانین حذف شوند. چند شغلی ها یک شغله بشوند. پر حرف ها

بیکار بشوند... باز در نظر دیگر ذیل گزارش فوق نوشتم عدالت رویه نیست متن است. همه راهها به عدل ختم می شود. قلم هم در برابر عشق و هم عدل می شکند. زیرا یک انسان عادل عاشق هم هست. عادل بی تاب است و عدل بی مرز. عدل از مقوله های فرا تاریخی و فرا جغرافیائی است.

اما شیعه با انتخاب عدل بعنوان یکی از اصول دین مسئولیت خود را صد چندان سخت کرده است! انسان شیعه باشد، علی امیرش باشد، انتظار امام عصر (عج) داشته باشد، هر روزش محرم باشد، قرآن و نهج البلاغه دو نقشه راهش باشد، انقلاب اسلامی هم در کارنامه اش باشد بعد حسرت کشور چین را بخورد که برای ۵ میلیون تومان اختلاس و رشوه، مقام اعدام می کند! یا بالاجبار بازدید دوره ائی زندان می گذارد که خطاکار متنبه باشد و به یاد داشته باشد فرجام نابکاری زندان است! خیلی بد است با اینهمه انحراف تازه آدم در برنامه قرآن سیما شاهد بازخوانی نامه علی به مالک اشتر باشد. اوائل انقلاب کل این خطبه روی دیوار ادارات نصب و زیر شیشه میز مدیران مزین بود. آن روز برای آن مدیران کاپشن سربازی پوش دوای درد بود اما امروز برای این مدیران ادکلن زده دکتر شده یک زجر است.

۵۹. اختلاس های نجومی قصه تلخ امروز و فردای ما و هر کشوری است. تجلی ذات انسان شرور است. دست بردن به اموال و انبار و املاک و ناموس مردم حکایت جاذبه زمین است. وقتی همه گوساله پرست شدند ده فرمان سهل است صد فرمان هم جوابگو نیست. دو سال پیش که خبر فساد ۱۲ هزار میلیاردی تومانی از بانک تجارت کرمان را از رئیس بانک مرکزی در سایت بینانیوز خواندم (۱۶ آذر۱۳۹۳. فایل ۶۶) ابتدا فکر کردم همه مصیبت ها مربوط به دولت گذشته (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱) است. جوگیر شدم و اینگونه نظر دادم:

هرچه که بردند نخوردند جدا

هرچه که خوردند نبردند جدا

نفت سیاه است به آن بوی بد

بوی تو بردند نبردند جدا

_____

هرچه خریدند به خروار نبود

هرچه که دیدند به دیوار نبود

گنج دو قارون به ما داده است

هرچه که بردند به دینار نبود

بر در توحید نشستند همی

گیوه خود را نبستند همی

ای که تو بردی نخوردی هنوز

در که گشودی نبستند همی

بعدها که درآمدهای غیرمتعارف مشاغل مختلف در دولت جدید علنی شد مردم کوچه و بازار هم متوجه شدند خواص در کار خاص هستند. با یک تلفن ویژه خواریهای بزرگ می کنند. این خاص کاریها بمانند پاس کاریها مربوط به مقامات دیروز و امروز نیست که خواسته یا ناخواسته بر سر زبانها بیفتد و سوژه برنامه های مختلف صدا و سیما بشود. وقتی به بیمه ایران رحم نشد مردم باید متوجه می شدند به کل ایران رحم نخواهد شد. این ظروف مرتبطه کار خود را خواهد کرد تا جائی که یک مکانیک به بنزین باک بنزین ماشین و یک دانشجونما به کفش یک دانشجو در نمازخانه دانشگاه رحم نکند (نظر من ذیل خبر دلایل طولانی شدن زمان صدور حکم "م. ر" سایت بینانیوز مورخ ۱۳۹۳/۶/۸. فایل ۴۸):

حوریا و پوریا نام شهر گمشده من است. چقدر فرق است بین حروف مقطعه قرآن در ابتدای برخی از سور قرآن با حروف بظاهر مقطعه اسامی ما. روز قیامت ما را اگر با حروف مقطعه صدا بزنند یا نشان بدهند چه بکنیم؟ چرا نباید یکی از حروف اسم ما هم جنس و هم رنگ یکی از حروف مقطعه قرآن باشد؟ ای مدیران به ما رحم نمی کنید به فکر عاقبت خود و اسم فامیل خود باشید.

شهر به شهر گشتم نبود یک کوچه ای

حوریا و پوریا نامی نبود در کوچه ای

هر که را دیدم به یک نان زنده بود

جز به دزدی من ندیدم کوچه ای

از آن طرف آدم می بیند (مهرماه ۱۳۹۲) در نمازخانه دانشگاه کفش دانشجوئی را می دزدند! و او حتی دمپائی ندارد پای خود بکند! عجبا دزدی! تا کجا دزدی؟ از کفش دانشجو هم دزدی! و این هم حال من در آن روز:

بر پای تو من کفش دگر خواهم ساخت

بر قصه تو رمز دگر خواهم ساخت

در خانه خود کفش خدا دزدیدند

در قالب کفش موزه کفش خواهم ساخت

چقدر هوشمندانه بود که سایت بینانیوز (فایل ۲۰۰) یکسال قبل در گزارش مورخ ۱۳۹۴/۵/۸ خود تحت عنوان "درآمد سالانه مشاغل مختلف در ایران" مبادرت به انتشار درآمدهای نجومی مشاغل مختلف نمود و نشان داد اکثر آحاد ملت قهرمان حاضر در صحنه در کار چاپیدن و دست بردن در جیب یکدیگرند! چرا اینکاره اند؟ چون مادرزادی است! چون کاری جز این بلد نیستند! چون پیامی جز این نمی شنوند. جز این بود مساحت امروز ایران به یک سوم فعلی کاهش نمی یافت. شاهزاده ها خوردند ما چرا نخوریم. آقازاده ها می خورند ما چرا نخوریم؟ پول نفت، مفت است ما چرا نخوریم؟ زندگی خرج دارد ما چرا در نیآوریم؟

هر کس به لوله نفت نزدیک تر نفتی تر!! هرکس به وزارت اقتصادی و دارائی مامورتر به دریافت حقوق های نجومی/پاداش های نجومی/وام ها و تسهیلات نجومی مقرون تر! (مراجعه شود به متن گزارش مورخ ۱۳۹۵/۷/۱۱ رئیس دیوان محاسبات کشور در صحن علنی مجلس).

بی خود نیست که در قدیم اسم کچل را زلفعلی می گذاشتند! حالا چرا یک معاون مرتب می خورده و چند ده معاون دیگر نگاه می کردند و صدائی/بخاری از ایشان بر نمی خاست این خود جای سئوال دارد. حداقل وظیفه شرعی/اخلاقی/ امر به معروف و نهی از منکری آقایان ایجاب می کرد به وزیران وقت وزارت اقتصادی و دارائی اطلاع بدهند. مگر اینکه خود نیز متنفع بودند و به طریق اولی در پست محترم بودند.

نظر من در آن روزها به این خبر این بود:

شنیده بودیم ۵۰ هزار نفر در ایران صاحب ۸۰٪ ثروت ملی هستند. اما اینها هم بد نچاپیدند و نمی چاپند! شاید ارقام مندرج در مورد بعضی مشاغل صدق کند ولی برای تعداد دیگر دور از ذهن است. طبیعی هم هست چون هیچکس حاضر نیست آمار درآمدهای خود را به کسی اعلام بکند حتی اگر طرف مقابل مامور اداره مالیات باشد! اما یادم نمی رود چند سال پیش که برادر یکی از دوستان از انگلستان به ایران آمده بود می گفت ایران سرزمین درآمدهای مفت و مجانی است. افراد می توانند بخاطر یک اتفاق غیرقابل پیش بینی در یک شب صاحب چند صد میلیون تومان ثروت باد آورده بشوند (امروز باید از میلیارد صحبت کرد). او می گفت خانم من انگلیسی است و من خودم از کودکی در آنجا بزرگ شده ام. هر دو از صبح علی طلوع تا دیر وقت کار می کنیم. خانه را هم از زمان پدر مرحوم دارم اما زندگی ما یک زندگی متوسط است.

چون در این گزارش به درآمدهای چند میلیونی اساتید اشاره شده است مایل هستم آنچه را که می دانم و می بینم بنویسم. در یک جمله اگر مغزهای متفکر ایرانی شرایط ایران را تحمل می کردند و بفکر دغدغه علمی خود و آینده

فرزندان خود نبودند و در ایران می ماندند و یک مقداری هم شم سیاسی و اقتصادی داشتند و زرنگ بودند خود را به جاهای خاص وصل می کردند به جرات می توانم بگویم امروز جزو یکی از چندین میلیاردر داخلی بودند. برخلاف ایشان، تعدادی بی گدار به آب نزدند، بار خود را وقتی که بستند رفتند. تعدادی هم که ماندند امروز مشغول همان کار هستند که دیگران هستند. آمار درآمد ۲۰ میلیون تومان در ماه را برای بعضی اساتید سراغ دارم. راهنمائی و مشاورت همزمان چندین رساله دکتری و کارشناسی ارشد در اقصی نقاط کشور.

اما فاجعه بدتر از منا همکاری تنگاتنگ تعدادی از این اساتید با برخی از موسسات به اصطلاح آموزشی برای تدوین پروپوزلهای دانشجوئی، نوشتن پایان نامه ها و حتی رساله های دکتری و نیز در ترجمه و چاپ مقالات ایشان در مجلاتISI است (میدان انقلابی های مدرن)!

به شهادت خودم همه اینگونه نیستند. حقوق اساتید دانشگاهها بویژه دانشگاه های غیردولتی تقریبا نزدیک به خط فقر است! با حقوق و مزایای بین ۶-۴ میلیون تومان. اتفاقا مراجعه کنندگان یک بار در ماه به بانک ها همین بی پناهان هستند.

بهترین دلیل برای این ادعا، خاطره جدید من از یکی از اساتید است که یک ماه گذشته در مرخصی استحقاقی بود. دو روز حقوق مرداد ماه دیر به حساب افراد واریز شده بود او نگران بود که نکند حقوق این ماه او را که حدود ۴ میلیون تومان است بخاطر مرخصی قطع کنند! وگرنه بقیه که کارشان درست است. جزو در پناهان هستند. اینقدر درآمد دارند که به حقوق ماهیانه خود دست نزنند. بیشتر حضرات در کار کارت به کارت هستند. کافی بود آن محقق محترم به پارکینگ خودروی اساتید مراجعه می کرد می دید۸۰٪ خودروی ایشان در حد پژو و سمند است. دانشجویان از این حیث در مقام بالاتر قرار دارند! در پارکینگ خانه ها هم پائین ترین مدل ماشین مربوط به اساتید است.

من اگر جای دولت بودم به ایشان وام می دادم که صورت خود را با خودروی اقساطی سرخ نگه بدارند. مسافرت خارج از کشور اکثر اساتید صفر و یا نزدیک به صفر است. در این صنف اگر استادی به روز نبود ناگزیر است قید علم را بزند، پول را در خارج از دانشگاه در آورد و در کلاسها هم بناچار ادای علم را در آورد.

می ماند زرنگ های این قوم که علم و تجارت را با هم جلو می برند. به نهادهای دولتی وصل می شوند، طرح های چند میلیونی می گیرند. مسافرتهای دائمی می کنند، ارتباطات علمی خارجی خوبی دارند، نسبت به خیلی از اساتید از بعد مالی و علمی به روزترند. کوله باری از مقالات دیگران را بر دوش دارند! مرتب روی آنتن اند. آنتن اینها را دارد و اینها آنتن را! در غرب هم وضعیت تحصیل کرده ها خیلی ویژه نیست اما حداقل اگر دغدغه علمی داشته باشند که نداشته باشند به مراکز علمی راه نمی دهند این فرصت را دارند به روزترین اساتید رشته خود باشند و از

حد متعادل تمکن مالی برخوردار باشند. ایشان با آنهمه تحقیق و نوآوری برای تمام طول عمر خود بیش از ۲۰-۱۰ دانشجوی دکتری را تربیت نمی کنند. اما استادان بی بدیل تحویل جامعه بین المللی می دهند. برعکس، اینجا اگر استادی کمتر از ۵۰ دانشجوی دکتری تربیت بکند اصلا استاد نیست!! ده ها کتاب و صدها مقاله به اسم او به چاپ نرسد او استاد نمونه نیست! اما مگر می شود یک آدم متخصص با اینهمه پشتوانه علمی در خارج از کشور گمنام باشد؟

در خاتمه می خواستم کل درآمدهای ۲۷ سال خدمت خود را برای شما ذکر کنم تا ثابت شود از راه حلال به لقمه نان و ناهاری می شود رسید اما به نوائی هرگز. اشتباه کردم گزارش شما را به خانم نشان دادم گفت ننویس درآمد راز هر شخص است!! گفتم اما از مال من یک نیاز است. گفت می فهمند خوبیت ندارد! گفتم پس من کی فرصت کنم کل درآمدهای مرحوم پدر را که دبیر بود و خودم را که به دینار/ریال محاسبه شده است را انتشار بدهم (مراجعه شود به زندگینامه مرحوم پدر: حسن حسن زاده راستگاری،۱۳۹۵ در همین سایت). گفت هیچوقت! گفتم مگر ندیدی پریشب تلویزیون ایران یک دکتر پزشک قانونی را نشان می داد که می گفت حقوق من دو میلیون و نهصد هزار تومان است. گفت نباید می گفت. گفتم این ظلم مضاعف بر ماست. هم باید خدمت تمام کرد، هم با چنگ و دندان و با مایه گذاشتن از مال اندک، وقت و چشم و قلم و..خود را به روز نگه داشت، هم شماتت این و آن را شنید و هم رازدار جرائم دیگران بود.

متاسفانه خبرهای امروز کشور حکایت از فساد گسترده مقامات کشور دارد. و این گفته اخیر (۱۳۹۷/۴/۱۵) محمود بهمنی رئیس سابق بانک مرکزی سخن فوق را تائید می کند که خود مقامات بیش از همه دنیا زده، دین زده، خدا زده و افسار گسیخته اند. فساد می کنند در حد شیطان، کلاهبرداری می کنند درحد حیوان، رانت خواری می کنند و ایران را ویران می کنند. رئیس بانک مرکزی در دولت احمدی نژاد در اظهاراتی مدعی شد که موجودی حساب آقازاده‌ها بیشتر از ذخایر ارزی کشور است!! منظور از آقازاده ها ژنهای برتر است. فرزندان طلحه و زبیر است. ۱۴۸ میلیارد دلار موجودی حساب آقازاده های ما در بانک های خارجی است. خود بهمنی یکی از افراد مورد اتهام در صدور امضای طلایی در زمان دور زدن تحریم است! بهمنی تعداد این افراد را ۵ هزار نفر اعلام کرد. آقازاده در خارج استناد کرده است که هنوز صحت آن تایید نشده است.

۶۰. از آن طرف خبر تکان دهنده برای عالم اسلام و تاریخ روحانیت شیعی اشرافی‌گری و آیت‌الله‌زادگی در بین روحانیون است (سایت بینانیوز. تاریخ خبر ۱۳۹۴/۶/۱۶ (فایل ۲۱۵). نظر من ذیل این خبر این بود:

هرگز به ما نگفتند

این تن چرا بمیرد

تن را که سخت عزیز است

جز راه تو بمیرد

دیندار ما ستم کرد

بر دین خود ستم کرد

دین از خدا جدا کرد

بر دین ما ستم کرد

این دین خدا نبیند

دین را خدا نبیند

خود را خدا ببیند

دین و خدا نبیند

از دین خود چه دانی؟

از ریش خود چه دانی؟

دینی که بر تو ریش است

بر ریش ما چه دین است

از جان خود گذشتی؟

از مال چطور گذشتی؟

بینم که درگذشتی

از دین ما گذشتی

سخت است تو را بشر گفت

سخت است به تو مثل گفت

دینی که نام دین است

بر تو مگر متل گفت

بازآ که غم قدیم است

غیر از قدیم ندیم است

از آسمان گذر کن

دین خدا عظیم است

۶۱. در نظر دیگر در سایت بینانیوز ذیل خبر ردپای ۳۵ میلیارد دلار گم شده در امارات (فایل ۱۸۳ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲۹) آوردم اگر می بینید کمتر شخصیتی در جمهوری اسلامی قسر در می رود چون سوار شدن و پرافتخار ماندن بر

روی اسب اسلام کار آسانی نیست. هدف اسلام سواری دادن و سواری گرفتن نیست. بلکه به سرمنزل رساندن بار امانت مردم از کوتاه ترین مسیر با بیناترین بصیر است. او عمدا سواران نانجیب خود را بر زمین می زند و موجب شکستن دست و پای ایشان می شود! تا شاید به خود بیآیند و صراط مستقیم را انتخاب نمایند. اما آنهائیکه اصلاح پذیر نیستند با آنها کار را تمام می کند. با صورت به زمین می زند تا برای همیشه تاریخ عبرت دیگران باشند. بنابراین یکه سواران این اسب با مرام و با وقار و با حیا، افراد زاهد و عابد و عالم و عاقل و عادل و عارف و.. هستند. تمبر ایشان اگر روزی انتشار یابد خواهیم دید تعداد مخلصین له دین جمعا چند نفر بیشتر نبودند.

۶۲. اما ای عزیز اهل نظر معلوم است خیلی ها با اسلام اصیل ناآشنا هستند. یک روز اسلام عید و هزار روز دیگرش ادای دین است. روی این اسب یک ثانیه/دقیقه نشستن هنر است تا بخواهی او را رام خود هم بکنی! روی ترازوی آن توزین یک گرم کالا سخت تر از توزین هر کالائی با هر ترازوی دیگر است. منتها شوخی شوخی اسلام هم شوخی! کیست که از خود بارها نپرسیده باشد چرا فاطمه (ع) دل نگران آن دنیا بود؟ او که تا از زبان مبارک رسول خدا شنید اولین شتابنده به نزد ایشان است خندید! چه شد از علی خواست شب اول قبر از نزد او لحظه ای دور نشود تا او اعلام رسیدن صواب به مقصد بکند. اعلام نجات مطلق بکند و بعد نوبت به علی برسد تا او هم گزارش خود را در همان شب به پیامبر خود، معلم خود و یار شفیق خود بدهد. ترسیم این لحظات سخت است نه!؟ او از مسلمانی چه کم داشت که اینگونه بیتابی می کرد؟ پدرش که رسول خدا بود، همسرش ولی خدا بود، خودش برگزیده زنان عالم بود و اولادش اختران تابناک عالم خلقت. پس بیم چه بود؟ بیم موج ها و یا شوق همراه با بیم سبکباران ساحل ها؟ غیر خدا بودن؟! ترس رفتن بود یا نرسیدن؟! بیم ناس بود یا بیم الله؟ شوق زائر خدا بودن بود و یا نعوذبالله ترس دیدن و یا ندیدن؟! اگر مسلمانان این آداب اسلامی می دانستند نه هزار نفر که میلیونها نفر به سمت ایشان می شتافتند.

نهج البلاغه پر از مذمت دنیا است و ما غریق آستانه دنیا! نکند کتاب معاویه در دست ماست؟!

اما بر من و تو ای خواننده نظر من خوب محرز است چوب خدا در زمین خدا صداها دارد اینهمه ثبت تاریخ اعمال و اقوال زشت را فقط و فقط به پای خدا بنویسیم و لاغیر. تغییر جهت بدهیم تغییر رویکرد خدا خواهیم دید. اسلام را در 100 متربع خاک اسلام به مدت 100 دقیقه ساعت دنیا پیاده شود خواهند دید چه طغیانی عظیمی در وجودی (سایت شفقنا. فایل۳۴ ذیل خبر آیا پذیرش دین با اجبار درست است؟ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۶).

۶۳. باور کنیم همه موفقیت های ریز و درشت ایران اسلامی محصول خدمات بی شائبانه مردم مخلص و فداکار و لطف مستقیم خدا و مصیبت های وارده ناشی از اغماض مقامات بر گناهان کوچک و بزرگ فرزندان و خویشاوندان خود بوده است.

۶۴. باور کنیم مردم ایران هم مقصر هستند، احساساتی هستند، طاغوت پرور هستند، بلی بلی گو هستند، دوپهلو حرف زن هستند. جلوی روی رئیس یک جور حرف می زنند و پشت سر او هزار جور. چاره هم ندارد. به او آموختند زبان سرخ سر سبز دهد بر باد. خود تجربه کرده است مغضوب رئیس شدن همان و فاتحه خود و فرزندان خود خواندن همان. از گذشته های خیلی دور هم خبر دارد که چگونه خاک کشورش، فرزانگان رشید کشورش، کتابخانه های غنی کشورش زیر آماج حمله تیمور و چنگیز مغول جاروی کامل شده است ! قرنها بعد از گذشت آن حوادث تلخ هنوز هم تعدادی اسم فرزندان خود را تیمور و چنگیز می گذارند! تا از خشم جسد ایشان بدور باشند! درحالیکه در هندوستان یک نفر اسم فرزند خود را نادر نمی گذارد چون دلخور تجاوزات نادرشاه افشار هستند.

۶۵. انقلاب اسلامی ۵۷ یک اتفاق خاص بود. مردانی در آن برهه ظاهر شدند که مثال زدنی هستند. خاک را با خون خود سیراب کردند تا یک وجب از خاک ایران بدست دشمن نیفتد. این خاک هنوز هم زنده است، حیات دارد، شهدائی دارد که رزق خدا می خورند و دیده بانی کشور می کنند.

نور برین است بگو جان نور

نور زمین است بگو جان نور

خون شهید است به مایرزقون

نور شهید است بگو جان نور

۶۶. همه اینها درست اما عقل سلیم می گوید مطبوعات رکن چهارم و مردم رکن اول و آخر کشور هستند. به خانه بفرستیم دزدان وارد عمل می شوند، به میخانه بفرستیم شریک جرم می شوند. به گوش ایشان پیام مَن اَصبَحَ وَ لَم یَهتَمّ بِاُمورِ المُسلِمینَ فَلَیسَ بِمُسلِم پیامبر گرامی را بخوانیم ابوذر می شوند.

همه سرزمین نام ایران ما

همه سال سی رنج ایران ما

شهیدان همه فرد اعلای ما

همه فخر ما مرز ایران ما

۶۷. باور کنیم خیلی از مدیران از خیلی زمانهای پیش از کوه احد پائین آمدند و از سفره های رنگارنگ رانتی طعام ها خوردند. اگر غیر از این بود خود ایشان وارد عمل می شدند مگر آدم آهنی هستند که نبینند آنها خدمت می کنند و دیگران غارت. اگر چنین نبود تاکنون در خانه های ایشان، حسابهای بانکی ایشان، مستغلات و مستقلات و تنقلات پشت پرده ایشان به روی دوربین های سیما باز می شد. در این مملکت یک نفر دوربین سیما را به داخل حیاط خانه خود برد و دیدیم چقدر مردم عاقبت به خیر شدند!

۶۸. باور کنیم رشوه حرف اول را در کشور می زند. رشوه یعنی رشته شدن پنبه!

۶۹. باور کنیم اندوخته های مدیران سه دهه اخیر بیش از اندوخته های کشور است. چرا اول انقلاب با کاپشن سربازی ظاهر شدند و امروز بوی ادکلن ایشان، مارک ساعت ایشان، طول و عرض میز ریاست ایشان، قیافه و طرز لباس پوشیدن منشی ایشان تعیین کننده وجاهت غیرقانونی ایشان است.

خورده ما تیغ است

برده ما میغ است

سینه ما ریش است

ریشه ما ریش است (درج در سایت بینانیوز ذیل خبر امشب یارانه نقدی چه کسانی قطع می‌شود۱۳۹۴/۵/۲۷– فایل ۲۰۴).

۷۰. آدم می ترسد با یک مدیر ارشد راجع به خطاهای فاحش زیر مجموعه او صحبت بکند! پیش خود می گوید نکند او هم جزو حلقه منظومه (ring of roses) است!

۷۱. باور کنیم مدیریت اگر نان نداشت یک نفر وقت خود را بابت آن صرف نمی کرد. رقیب زدائی نمی کرد. حق و ناحق نمی کرد. سر شورای شهر تهران دیدیم وزنه بردار معروف کشور شورای شهر را به فدراسیون مربوطه ترجیح داد. شورای شهر تبریز با هم اختلاس کردند و این اواخر مسافرت های خارج از کشور برای ایشان مجاز شمرده شد.

۷۲. باور کنیم اگر درختان این مملکت بریده شد با همدستی یا عدم مقاومت ایشان با زمین خواران و برج سازان بوده است.

کار تو کردند نکردند هنوز

راه تو رفتند نرفتند هنوز

از چه نرفتند ندانم هنوز

هاله ندارند ندانند هنوز (درج در سایت بینانیوز ذیل خبر غلامحسین الهام، گزینه احمدی نژادی‌ها برای ریاست مجلس. ۱۳۹۴/۷/۹– فایل ۲۳۲).

۷۳. باور کنیم زبان دور زدن قانون را صاحب منصبان، وکلای ایشان و نفوذیهای ایشان در ادارات مختلف از همه بیشتر بلدند.

۷۴. باور داشته باشیم شفاف سازی و نهادینه شدن رقابت سالم در کشور برای ایشان به منزله سم مهلک است.

۷۵. اگر بر علی (ع) سه جنگ تحمیل کردند با یک جنگ کار را تمام می کنند (البته با هم و نه بی هم).

۷۶. باور کنیم سریالهای امسال سیما و خبرهای مربوط به کشف و ضبط کالاهای قاچاق چون رنگ رخسار خبر می دهد از سر و درد درون، از پشت پرده تعاملات افراد سودجو با مدیران سودجو. اگر این مدیران که به این وضع عادت کردند تغییر نکنند و یا به حال خودشان گذاشته شوند اتفاقات بدتر از اینها را رقم خواهند زد.

۷۷. بیت المال خورها از آدم خوارها هم بدترند. از معاویه هم بدترند. دشمن قسم خورده علی هستند. صاحبان همه جزایر درشت و ریز سازگاری متابولیکی و مقاومتی و قرابتی هستند. طلحه و زبیر از یاران بزرگ رسول خدا از رفتار امثال ایشان بیزار هستند. حداقل ایشان وقتی فهمیدند علی اهل باج دادن نیست شبانه راهشان را کج کردند و رفتند! جنگ تحمیل کردند اما امیال خود را بر علی (ع) فخر عالم انسان و صاحب مکتب عدل به قلمرو فکر و روح او و مردم آن روزگار تحمیل نکردند و گرنه امروز نه شب احیای ۲۱ رمضان داشتیم و نه بزرگداشت بزرگی هائی علی را داشتیم. مثل بیشتر مسلمانان سرمان پائین بود هیچ نداشتیم. اما امروز چی؟ برادران اهل تسنن امروز به من نمی خندند این از مذهب تان و این از عملکرد مدیران مذهبی تان! شما پیرو علی هستید یا ما؟ ما با گذاشتن اسم علی بر روی فرزندان خود بیشتر علی دوست هستیم تا شما. شما که از علی آبرو نگذاشتید. اینهمه اختلاس و از آن بدتر توجیه اختلاس!

ابتدا اعلام شد دو میلیارد تومان از پرداخت های نجومی به بیت المال برگردانده شد! پس از چند ماه همزمان با پاک کردن صورت مسئله و جایگزین کردن نوترکیبی های جدید و قابل فهم برای زمینیان ایران زمین چون حقوق نامتعارف! حقوق کلان! به جای واژه پر طمطراق نجوم! مبادرت به ساخت کلیپ، دادن نوحه و خواندن آن در محل نمازهای جمعه شدند (هم کشتند، هم بردند و هم مراسم عزاداری گرفتند و هم مردم را گریاندند)، بتدریج دیوان محاسبات تعداد ایشان (بهره مندان) را ۳۹۷ نفر اعلام کرد (مهر ۱۳۹۵).

این آقایان و احتمالا خانم ها (برادران و خواهران اول انقلاب) حقوق ماهیانه بالای ۲۰ میلیون تومان می گرفتند. قرار بود تا آخر آبان ماه سالجاری مبلغ ۲۳ میلیارد تومان توسط ایشان به صندوق دولت که حافظ منافع مردم بخت برگشته است عودت داده شود (چه تنبیه بزرگی!). اما ظاهرا خیلی از مدیران از این تصمیمات یکطرفه راضی نبودند! آن را خلاف شرع می دانستند و با کمی مرحمت تعداد ایشان به ۴ نفر تقلیل یافت (آذر ۱۳۹۵). ۹۵/۱۱/۱۲ اعلام شد ۳۹۵ نفر از ۳۹۷ نفر ۲۳ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان را به خزانه عودت دادند (تکبیر!). ۱۳۹۵/۱۲/۶ در برنامه مناظره که ۴ نفر از نمایندگان مجلس درباره ضرورت تجدیدنظر در قانون خدمت اجباری سربازی صحبت می کردند صحبت از پرداخت ۱۰۰ میلیارد تومان به حقوق بگیران نجومی شد!! پس از گذشت یکسال و نیم از اخبار داغ حقوق های نجومی روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۷/۷/۱۶ آقای عادل آذر رئیس دیوان محاسبات در برنامه گفتگوی ویژه شبکه۲ اعلام کرد"با بررسی پرونده های حقوق های نجومی ۳۵ میلیارد تومان به بیت المال برگردانده شد". تمام. فکرش بکنید اول و آخر ماجرا گم شد. یکی شد. زیرا پی گیری نشد. اما حضور آقای عادل

آذر در برنامه نگاه یک شبکه یک سیما در شامگاه شنبه (۱۵ تیرماه ۱۳۹۸) نشان داد پی گیریهای همچنان ادامه داشته است. بدین ترتیب که دیوان همه دریافتی های مدیران و مقامات و حتی سکه، پاداش و عیدی که دریافت کرده بودند را مجددا مورد بازبینی قرار داده است و گزارش قبلی خود را که اعلام شده بود ۲۴ میلیارد تومان از ۳۹۴ نفر حقوق ناجور بگیر دولت کریمه/فخمیه پس گرفته شده است را به شرح زیر تکمیل کرده است.

بر این اساس مجموعا از گزارش دوم و سوم، ۵۷ میلیارد تومان بابت حقوقهای نامتعارف پول به خزانه دولت بازگردانده شده است. ضمن تقدیر از تلاش ایشان و همکاران ایشان باید گفت مبلغ فوق که به زور قانون و نه باب میل ایشان دریافت شده است سود پول به غارت رفته از بیت المال مسلمین هم نمی شود. هر کدام ایشان را تکان بدهی بیش از صاحب پول مفت شده اند. بگذارید اموال منقول و غیر منقول حضرات برملا بشود خواهی دید که چقدر به مردم بدهکار و به خدا پاسخگو هستند؟

خدا اگر می خواست اختیار بهشت و جهنم را به ما دهد چند ده قرن فقط برپائی روز محشر به درازا می کشید تا تکلیف افراد با لحاظ کردن جمیع جهات مشخص بشود! در این مدت همه متخلفین و مفسدین فی الارض همپالکیان زمینی خود را پیدا می کردند و بهترین جای بهشت را برای خود اختصاص می دادند! خسر الدنیا و الاخره ها همان مردم بی نوای روی زمین بودند که نه این دنیا داشتند و نه آن دنیا!

درد می دانید کجاست؟ درد اینجا است که شیعه به خود می بالد که ۱۲ امام معصوم دارد، در اصول دین خود، عدل و امامت مازاد بر سازمان دارد. در فروع دین خود، تولی و تبری دارد، در اذان و اقامه خود، حی علی خیر العمل دارد و.. کدام را باور کنیم دم خروس را یا قسم حضرت عباس را!؟ کجای این کره خاکی این توجیهات جز در کشورهای اسلامی ساری و جاری است. شما که ما را با این کارهایتان یاد صدر اسلام می اندازید. نکند با این کارتان می خواهید ثابت کنید ادب را از کی آموختید از بی ادب؟ نکند بازسازی حوادث صدر اسلام را در دست اقدام و اکران دارید؟

چرا هر چه می کنید اعلام می کنید عین مر قانون است؟ کدام قانون؟ قانونی که دست چند نفر را باز می کند برای هر کاری و دست همه را می بندند برای کوچکترین کاری! از شهرام جزایری تا بابک زنجانی در جمهوری اسلامی تا شعبان بی مخ در ۲۸ اسفند ۱۳۳۲ از خدمات ویژه خود به ایران می گویند!

شهردار تهران و رئیس شورای شهر هم دیروز و امروز بابت افشای خبر تخفیف ویژه مسکن به مقامات/تعاونی مسکن/خبرنگاران/قوه قضا صحبت از رعایت مر قانون کردند. شاید هم انتظار قدردانی داشتند. چرا همه چیز جز خدمت در این کشور نجومی شده است؟ چرا یک حقوق دان را به سیمای ایران دعوت نمی کنید تا از مر قانون،

ضعف قانون و یا مرگ قانون بگوید. چرا آقایان ریز این کارهای قانونی خود را در روزنامه همشهری ارگان رسمی بازتاب ندادند؟ مردم نامحرم اند یا اقدامات پشت پرده؟ چرا بیشتر اعضای شورای خوش نشین شهر (شهرداری) در برابر این مسئولیت خطیر سالهاست سکوت اختیار کرده اند؟

آخرین انتخابات شورای شهر یادتان هست؟ اگر یادتان نیست من از نوشته های قبلی خود عینا می آورم:

آقای مهدی چمران اصولگرا که ده سال متوالی رئیس شورای اسلامی شهر تهران بود (کل دور دوم و کل دور سوم از سال ۱۳۹۲-۱۳۸۱) پس از یکسال دوری از قدرت (سال اول دور چهارم ۱۳۹۲) توانست دوباره قدرت را از آقای مسجد جامعی اصلاح طلب پس بگیرد (سال دوم دور چهارم۱۳۹۳)! عباس جدیدی در جلسه انتخاب رئیس (۹۳/۶/۱۱) گفته بود این ۴ سال شورای شهر را به ۲ دوره ۲ ساله تقسیم کنید و سال دوم نیز همین هیئت رئیسه شورا فعالیت بکند. تقریبا چنین هم شد! چهار عضو اصولگرا جزو هئیت رئیسه شدند و الهه راستگو به عنوان چهره غیر اصولگرا با این ترکیب، ترکیب شد. اما مهم در این مملکت مقام ریاست است. ایشان با ۵ رای بیشتر (۱۸ بر ۱۳) بر احمد مسجدجامعی رئیس یکساله شورا پیروز میدان شد. دلائل زیادی را هم برای مدیریت کوتاه مدت مسجد جامعی ذکر شد که در جای خود شنیدنی است.

چون صحبت از نام چمران شد به روح برادر عالم، مجاهد و انشالله مخلد در بهشت او مرحوم شهید دکتر مصطفی چمران از همین جا درود می فرستم. مرحوم چمران مردی بود که با یک ساک دستی از لبنان وارد ایران شد و منشا خدمات بزرگ در جبهه دفاعی کشور شد. این چند بیت صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۲ سروده شده است:

چمران که آمد ایران

نامش نگفت به ایران

بر آسمان نظر کرد

بر جبهه ها سفر کرد

تا خصم زمین نیفتاد

برخاک و خون نیفتاد

از بیست دو خبر داد (در دوره دانشجوئی نمره۲۲ از مرحوم بازرگان گرفته بود)

بر علم خود نظر داد

او مرد عصر خود بود

جمع صفات خود بود

رحمت به تربت او

صبح است به صحبت او

چقدر توجیه- چقدر توهین؟ این بار از زبان محمود صلاحی مشاور شهردار تهران! او در برنامه گفتگوی ویژه خبر ۲۰:۳۰ شبکه ۲ سیما (۱۳۹۵/۶/۱۶) از واگذاریهای نیمه پنهان-نیمه آشکار املاک در شهرداری تهران گفت. از قانون کاریها و نه از قارون خواریهای شهرداری. ممکنست این توجیهات در دنیا کارگر بیفتد اما در دنیای دیگر بازیگر و گریبانگیر است.

گفتند ۱) این املاک توسط کارشناس رسمی دادگستری قیمت گذاری شده است، ۲) فقط به تعاونی های مسکن داده شده است، ۳) به افراد خارج از مجموعه شهردار واگذاری صورت نگرفته است، ۴) مدیران هم مستثنی نبودند، ۵) تا ۵۰ درصد تخفیف طبق قانون مجاز بوده، ۶) ۳۰ میلیون تومان هم طبق مصوبه شورای شهر معاف از پرداخت عوارض پروانه ساخت بودند، ۷) میزان آورده هم در میزان تخفیف‌ها موثر بود. همه این مزایای ویژه را شمرد تا باز از قانون بگوید! چرا نمی فهمند هر حرف ایشان کارشناسی می شود و توسط خدا و مردم قضاوت می شود. اولا او نگفت با اینهمه تخفیف جائی هم برای پرداخت اعضا باقی مانده است؟ ثانیا کیست که نداند قیمت گذاری ها توسط کارشناسان رسمی دادگستری غالبا نصف تا یک سوم بهای واقعی است. **مثال عینی آن فروش خانه پدری همسر بنده است** که قیمت ملک سه طبقه را که به قیمت واقعی آن روز (۱۳۷۱) ۳۰ میلیون تومان بود توسط کارشناس دادگستری ۱۰ میلیون قیمت گذاری و در یک مزایده سند آن به نام دانشگاه آزاد واگذار شد، ثالثا تخفیف در تخفیف دیگر چه صیغه ائی است؟ کجای اسلام و کجای قانون اساسی آن را تائید می کند؟ تخفیف اول و تخفیف دوم بس نبود تخفیف سوم هم تا مبلغ ۳۰ میلیون تومان به آن اضافه شد. لابد اگر هم تخلف ساخت و ساز هم داشتند یک تخفیف هم آنجا می گرفتند! شاید هم گرفتند! این کارها شبیه کار قانون است یا رانت؟ اگر قانونی بود افشا نمی شد. شما را در تلویزیون بازخواست نمی کردند. شهرداری این پول ها و این امکانات را از کجا می آورد؟ جز اینکه در خانه سازی مردم سهیم است (معافیت از پرداخت عوارض شهرداری به ازای دادن چند واحد مسکونی)، جز این است که شهر را می فروشد و برای خود و کارمندان حاتم بخشی می کند؟ جز این است که یک نفر از اعضای شورای شهر حاضر نیست از شورای شهر کنار برود؟

حالا برویم سراغ هیئت علمی دانشگاه ها:

این پیامک هفته پیش دریافت شد: تعاونی مسکن وزارت علوم تعدادی از واحدهای در دست ساخت تعاونی مسکن خود را واقع در بلوار سیمون بولیوار به صورت پیش فروش واگذار می کند. آورده پایه برای این اشتراک ۱۵۰ میلیون تومان است. تخفیف هیچ چی! تخفیف شورای شهر هیچ چی! تخفیف معافیت هیچ چی؟ چقدر بعدا باید پرداخت بشود؟ معلوم نیست! تکلیف صاحب خانه شدن این بندگان خدا (نه همه ایشان) چه می شود؟ به ما چه! چه فرق می کند یک نفر از لوله نفت بخورد و نفر دیگر از انفال؟ هر دو بیت المال خور هستند. چه به صورت شرع باشد و چه به صورت شرح فوق.

جزیره، جزیره است. به چند ارگان واگذار شده باشد مجمع الجزایر است. فسادها در جزایر شکل می گیرند و سپس قطره قطره دریا می شوند. اعتقاد مردم سست می شود و غضب خدا شکل می گیرد.

خوشبختانه طبق آخرین خبر ۵۰ نفر در پرونده واگذاری املاک شهرداری به دادستانی احضار شدند (۱۳۹۵/۱۰/۱) تا آقایان هر جا کم آوردند نگویند مر قانون است. البته قانون در کشورهای مختلف بویژه منطقه ما و ایران ما از قدیم الایام در بسیاری مواقع برای ادب ضعفا و مبرا کردن امرا بوده است.

مهرداد مهرین در کتاب جمال زاده و افکار او (۱۳۴۲) می نویسد جمال زاده در سال ۱۳۲۶ وقتی به ایران مسافرت کرد در برگشت نوشت "همه کس از امور اقتصادی شاکی بودند. سه کلمه منحوس "احتکار، اختلاس و ارتشا" در تمام دهن ها بود. اشخاصی از طریق نامشروع در مدت کوتاه ثروتهای هنگفتی بدست آورده بودند و قیمت اجناس و ارزاق بطور مصنوعی بالا می رفت... مملکت ما گوئی ضرابخانه حرف مفت زدن است....از قانون تنها همان حرف آخر این لفظ را می فهمیدند.." و بسیاری مطالب روز دیگر. یک نگاه به ساخت و سازهای شهر تهران، دو متر عقب و جلو بودن هر واحد ساختمانی موید ده ها زد و بند شهروند و شهرداری است. فقط در روز موعود مشخص خواهد شد بابت این تخلفات چقدر پول بین افراد آشکارا و پنهان رد و بدل شده است.

من ندارم روی تو

من ندارم کوی تو

فرق ها داریم هنوز

آب و گل دارند هنوز

پست خوب دارند هنوز

کوه پول دارند هنوز

پشت کوه دارند هنوز

آب سرد دارند هنوز

آبگرم دارند هنوز

بیش و کم دارند هنوز

نیک و بد دارند هنوز

خون دل هم خورده اند

خرده نان هم خورده اند

پشت پا هم خورده اند

بازیار هم خورده اند

بازیافت هم خورده اند

آب برف هم خورده اند

نان خلق هم خورده اند

حرفها دارند هنوز

کارها دارند هنوز

سنگ شکن دارند هنوز

دار هضم دارند هنوز

کوه و دشت دارند هنوز

کیف و کفش دارند هنوز

سهم نفت دارند هنوز

پترو پارس دارند هنوز

مشتری دارند هنوز

افتخار دارند هنوز

چاره ها دارند هنوز

چاله ها دارند هنوز

مبلمان دارند هنوز

خانمان دارند هنوز

مه لقا دارند هنوز

غرب و شرق دارند هنوز

فوت وقت دارند هنوز

ریش و پشم دارند هنوز

کشته ها دارند هنوز

مرده ها دارند هنوز

بی زبان دارند هنوز

تاج سر دارند هنوز

فرق سر دارند هنوز

قفل سر بستند چرا

روز سخت دارند هنوز

بدگمان دارند هنوز

ریشه ها دارند هنوز

بشکه ها دارند هنوز

بیشه ها دارند هنوز

بیزیانس (بیزانس) دارند هنوز

رنسناس دارند هنوز

کنفرانس دارند هنوز

کل آس دارند هنوز

التفات دارند هنوز

اعتبار دارند هنوز

همچنانکه همه راه ها به رم ختم می شود وظیفه خطیر تحقیق و تفحص واگذاریهای املاک شهرداری هم به کمیسیون عمران مجلس ارجاع داده شد. با این امید که متخلفین اندکی گوشمالی بشوند، از یاشار سلطانی مدیر مسئول سایت معماری تقدیر شود، درس عبرتی برای دیگران باشد، رحمت خدا بیش از پیش بر این **ملک علی-فاطمه** نازل بشود، پیامبر به امتش افتخار بکند، دنیا در برابر قضای ایران سر سجده فرو بیآورد، ویکی پدیا عاجز از انعکاس آن باشد و.. اما چنین نشد. خبر نومید کننده بود! مساعد حال و هوای بهار بود، مصداق عفو از بزرگان بود. به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری تسنیم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز (سه‌شنبه ۲۴ اسفند۱۳۹۵) قوه مقننه با رد گزارش تقاضای تحقیق و تفحص از عملکرد شهرداری تهران در واگذاری املاک و پروژه‌های مشارکت به اشخاص حقیقی و حقوقی با ۱۳۲ رأی موافق، ۹۰ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۳۳ نماینده حاضر در صحن علنی مجلس موافقت کردند".

و برای اینکه عید مردم با این ناداوریهای غیر فوتبالی مکدر و مشبه نشود و سوژه ائی هم برای دید و بازدیدهای عید فراهم گردد یک امیدواری هم توسط عضو کمیسیون عمران اعلام شد"موضوع تحقیق و تفحص املاک شهرداری از دستور کمیسیون خارج نشده است اما بنا بر این شد پس از بررسی، کار ادامه پیدا کند"! باش تا صبح دولتت بدمد.

حقوق نجومی-املاک مجومی و این بار داوری نجومی!

خوشبختانه همچنانکه تابلوهای اعلانات پروازها و حرکت قطارها به یک لحظه کن فیکون می شوند و کلی فرود- کلی صعود/ کلی ورود-کلی خروج در یک آن در پرده دیجیتال این تابلوها نمایان می شود در انتخابات ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ که همزمان با انتخابات شورای شهر و روستاها برگزار شد کلی خروج و کلی ورود داشتیم. ایده آل نبود اما کم امید هم نبود.

یاشار سلطانی در فهرست لیست اصلاح طلبان قرار نگرفت تا مردم ایران بدانند تا مرز حقیقت میلیاردها سال نوری فاصله داریم. تا ثابت بشود همه باند خود را دارند. حتی باند از نوع باندپیچی باشد. در صف رای گیری به چند جوان بردبار و پرامید که مردد بودند به یاشار رای بدهند تا خاشار به ایشان گفتم انتخاب شما، انتخاب مرام او و تائید کار او و تقبیح زندان اوست. در لیست فعلی می توان افرادی را دید که هم جنس هم نیستند اما هم نظر هم هستند. شاید نخواهند در بهشت با هم باشند اما حاضرند برای شکست رقیب در فصل انتخابات در کنار هم باشند. این هم رگه های از دور ماندن از اصل خویش، کیش خویش و ریش خویش است. ندیدن فردا و دیدن امروز است. تا دور بچرخد بلائی سر ایشان بیآید که سر امثال چمران رئیس دوره دوم و سوم و چهارم شورای شهر آمد. فاصله رای او از نفر آخر لیست امید برای دوره پنجم شورای شهر تهران ۴۱۰،۶۷۷ رای است!! فاعتبروا یا اولی الابصار.

انتخاب مهمترین کلید واژه برای تعریف گوهر وجود انسان است. انتخاب وصف حال ما در دو جهان است. اینهمه ورزشکار وارد شورا شدند اما کو تختی ایشان؟ اینهمه سیاستمدار وارد شورای شهرها شدند اما کو مصدق و مدرس ایشان؟ همه لب حوضی نشستند و سر حوضی خوردند. هرچه خوردند نفرینشان باد. روزی برسد شرمنده باشند. من در دوران ایشان تحریم نشدیم تحقیر شدیم. امروز هر چندمتر پلیس سر کوچه های فرعی نباشد ترافیک قفل است!! درحالیکه در غرب آنچه دیده نمی شود افسر پلیس است. این همان است که من از قالیشوئی شهر تهران و قطعا شهرداریهای دیگر شهرها توسط شهردار سابق و اعوان و انصار او در همین سایت نوشتم:

۱. در شهری که به جای قالیبافی قالیشوئی شد (۱۳۹۶/۹/۲۸)

۲. تتمه ای بر همین مقاله تحت عنوان "راه علاج زلزله و آلودگی هوای شهرها" (۱۳۹۶/۹/۳۰).

اما مگر می شود بر سلسله جنایات ضد حقوق بشری/حقوق شهروندی/حقوق اسلامی ایشان پایانی متصور باشد. تازه بخشنامه کردند که مانع باغ زدائی در سطح شهر تهران باشند! بقول یکی، دیگر باغی نماند که برج باغ (چندش آورترین نوترکیبی که ادبیات ایران به خود دیده است) نشده باشد، مرکز خرید نشده باشد. فرحزاد یکی! دره اوین دو تا! شمیرانات سه تا!.. تو ببین چنین جنایت-تو بمیر بر این جنایت.

برش هایی از گزارش شهردار پایتخت در پایان ۱۰۰ روز فعالیت خود در شهر تهران (۱۳۹۶/۱۰/۲۴)

شهردار دیروز- قاتل امروز (او در تاریخ ۱۳۹۸/۳/۷ همسر دوم خود را در اطاق خواب با اسلحه کمری به قتل رساند و اولین شهردار قاتل دنیا شد! به کدام مقام این مملکت می توان اعتماد کرد؟



۱. مجموع بدهی شهرداری ۵۲ هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان است یعنی سه برابر بودجه ۱۳۹۶، در حالی که بودجه سال ۹۶ هم صددرصد محقق نشده است.

۲. ۵۴٪ دارایی‌های مندرج در صورت‌های مالی زیرمجموعه‌های شهرداری تهران حسابرسی نشده است.

۳. شهروند با هزاران میلیارد تومان سرمایه باید بیش از ۱۰۰ میلیارد سود عملیاتی داشته باشد اما در سال ۹۵ تنها ۹ میلیارد سود عملیاتی داشته است.

۴. هم‌اکنون هیچ برآورد دقیقی از ارزش املاک اختصاصی شهرداری تهران و وضعیت ثبتی آن در دست نیست. از مجموع املاک، ۶۷۴ ملک غالباً به صورت سلیقه‌ای در اختیار اشخاص و نهادها قرار گرفته است. به‌طور مثال به یک نهاد ملکی ۵میلیاردی واگذار شد و به یک نهاد دیگری که همان فعالیت را داشته است، واگذار نشد؛ اینکه وجه تمایز چه بوده است؟ هیچ رابطه‌ای پیدا نکردیم.

۵. از دی ماه ۱۳۹۵ تا شهریور امسال ۱۳ هزار نفر به پرسنل شهرداری اضافه شده که برخی سابقه حتی یک روز حضور در شرکت‌های پیمانکاری نداشته‌اند.

۶. ۸۵٪ دارایی‌های صندوق ذخیره کارکنان شهرداری را در املاک و ساختمان حبس کردند. همچنین از این رقم ۷۰ درصد در پروژه‌ای با عنوان سارینا کیش سرمایه‌گذاری شده که در آن فساد مالی وجود داشت. بنابراین یک کار خیانت‌آمیز در صندوق ذخیره کارکنان صورت گرفته است.

۷. در سال ۱۳۹۵ تعداد پرسنل شهرداری ۵۵ هزار و ۹۵۲ نفر بوده است که مستمر حقوق می‌گرفتند.

۸. اراضی عباس‌آباد به نهاد انتظامی و نظامی واگذار شده، در سال ۹۰ قرارداد یک هتل بسته شده که مغایر با طرح جامع اراضی عباس آباد است.

۹. میزان برگشتی برخی از مجلات همشهری بیش از ۴۰ درصد است. سال‌ها پول دادیم این نشریات و مجلات را در همشهری منتشر کردیم؛ البته ما چهار نشریه را تعطیل کردیم و برای بقیه هم فعلاً زورمان به هیأت مدیره همشهری نمی‌رسد که یک مقدار انقلابی‌تر عمل کند.

۱۰. درآمدهای عملیاتی سازمان فرهنگی – هنری طی سال‌های ۹۳ تا ۹۵ از ۳۳ هزار میلیارد تومان به ۱۶ هزار میلیارد تومان کاهش یافته و از آن طرف کمک‌های دریافتی از شهرداری سال به سال بیشتر شده، به طوری که در سال ۹۵ این سازمان ۶۵میلیارد تومان از شهرداری تهران کمک گرفته است.

۱۱. در سال ۹۶ سازمان مدیریت پسماند زیان خالص ۲۶ میلیارد تومانی دارد، باوجود اینکه در سال‌های قبلی ۶۱ میلیارد تومان سود داشته است.

۱۲. از ۳۲ حلقه چاه با خروجی ۱۴۳ میلیون متر مکعب، آب استفاده می‌کنیم که یکی از علل زمینه ساز نشست شهر تهران موضوع چاه‌هایی است که خود شهرداری حفر کرده و این اشتباهی بود که حالا وبال گردن شهرداری است.

۷۰٪ پایگاه‌های مدیریت بحران تاکنون تجهیز شده است که در این زمینه گزارش کاملی در اختیار رؤسای سه قوه قرار داده‌ایم.

روزنامه ها نوشتند مهدی چمران که ۱۱ سال از ۱۲ سالی که قالیباف شهردار تهران بوده، رئیس شورای شهر بوده است، در واکنش به گزارش نجفی درباره عملکرد قالیباف گفت: "این گزارش سیاه‌نمایی بوده است و باید ثابت شود". محسن هاشمی هم بعنوان رئیس شورای شهر گفت: مردم به دنبال آن هستند که تحول در موضوع اجرایی اتفاق بیفتد و تنها نباید به گفتار درمانی مدیریت شهری اکتفا کرد و برای اقدامات لازم نیاز به برنامه‌های اجرایی داریم. او همچنین افزود: مردم به‌دنبال سیاست‌های جدید شهرسازی هستند و نیاز است فرآیند تدوین برنامه‌ها با سرعت بیشتری اتفاق بیفتد. در مصاحبه صدا و سیما هم او چنین قضاوتی از گفته های آقای دکتر نجفی داشت:

قضاوت ما نسبت به دوره گذشته باید براساس انصاف و واقع‌بینانه باشد و نباید نگاه افراطی و تفریطی به مسائل داشته باشیم و تمامی مسائل را سیاه‌نمایی کنیم؛ چراکه باید نقاط مثبت و نقاط ضعف کنار یکدیگر دیده شود.

دو ماهی از افشاگری شهردار جدید و مستعفی (نیآمده بدلیل بیماری! استعفا داد. بعد هم مرتکب قتل شد و همسر خود را با شلیک ۵ تیر کشت!!) نگذشته بود که این بار مجید فراهانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران اعلام کرد شهرداری تهران جزو فاسدترین دستگاه‌های کشور است! باز تنها مدافع کارنامه سیاه شهرداری مهدی چمران بود!! مجید فراهانی رئیس فعلی کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران اعلام کرد که از ۱۳۰۰ ملک واگذاری شده تاکنون ۲۰۰ ملک برگردانده شده و برای ۹۰ درصد مابقی املاک نیز نامه ارسال شده مبنی بر اینکه باید این املاک بازپس داده شود (۱۳۹۷/۴/۱۸).

شهر به شهر، شرح به شرح، پایان ندارد این دو شهر: شهر تهران (بخاطر دست بدست شدن شهرداران اش (برکناری محترمانه آقای نجفی برغم پا فشاری شورای شهر تهران) و تخلفات بیشمار اعضای سابق شورای شهر تهران و نیز شهر یزد (به سبب مخالفت شورای نگهبان برای ورود آقای سپنتا نیکنام از اقلیت های زرتشتی منتخب مردم یزد به سالن شورای شهر یزد). خوشبختانه طبق مصوب مجمع تشخیص مصلحت برگشت آقای سپنتا نیکنام به شورای شهر یزد قطعی شد (۱۳۹۷/۴/۱۸).

در ایران بخش خصوصی هم دولتی است. بخش دولتی هم خصولتی است. همه شتر مرغ اند. یکجا شترند. جای دیگر مرغ شترند. اما اسلام نه اس است و نه لام بلکه اسلام است.

خبر جدید از آقای افشانی شهردار جدید تهران (۱۳۹۷/۵/۶):

شهرداری بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان بدهی دارد. ۲۳هزار میلیارد تومان آن بدهی بانکی است که هر ماه بخاطر سود معوقات این رقم افزایش پیدا می‌کند و ۳۰ هزار میلیارد تومان هم بدهی شهرداری به پیمانکاران است.

خبر جدیدتر: تکذیب بدهی شهرداری توسط آقای قالیباف شهردار سابق (۱۳۹۷/۷/۷):

وی با اشاره به موضوع ۵۲ هزار میلیارد تومان بدهی شهرداری گفت: دروغ بزرگتر از این؟ می‌گویند بیش از دویست و هشتاد و پنج میلیارد درآمد شهرداری بوده، اما خود شما رییس سازمان برنامه بودجه بودید. اگر می‌خواهید دروغ بگویید طوری دروغ بگویید که باورپذیر باشد. شهردار سابق تهران ادامه داد: ببینید فضا چطور مسموم می‌شود. شهرداری گزارش داده است. من درباره املاک نجومی به دادستان نامه نوشتم و شما آبروی همه را بردید. حال شما که این حرف‌ها را زدید یک کاری هم انجام دهید. آن زمانی که ما بودیم می‌گفتیم دو تحریم داریم یکی تحریم جهانی و دیگری تحریم دولتی. همین! بلی همین! بعد از این هم همین!

- نظر تکمیلی من راجع به بیت المال خورها در سایت بینانیوز (۱۳۹۳/۱۱/۳) ذیل گزارش معاون اول احمدی‌نژاد به ۵ سال زندان محکوم شد. فایل ۹۴:

تَبَّت یَدَا أَبی لَهَبٍ وَ تَب (۱) مَا أَغْنی عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا کسب (۲) سیَصلی نَاراً ذَات لهبٍ (۳) وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴) فی جِیدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسدٍ (۵) بریده باد دو دست ابی لهب (مرگ بر او باد) مال وی و آنچه را به دست آورده دردی را از او دوا نکرد. به زودی وارد آتشی شعله‌ور شود. با زنش که بارکش هیزم استو طنابی تابیده (از لیف خرما) به گردن دارد.

خبر محکومیت معاون اول رئیس جمهور اسبق آقای محمدرضا رحیمی مقارن بود با خبر مرگ پادشاه عربستان سعودی ملک عبدالله در سن ۹۰ سالگی.

پادشاه سالخورده عربستان چند روز بعد از عدم موافقت با کاهش تولید اوپک (۸ آذر) در بیمارستان بستری شد (۱۰ دی) و صبح روز (۳ بهمن) وفات یافت. در همین مدت کوتاه ۱۲ کشور اسلامی تولید کننده اوپک حدودا ۳۰۰ میلیارد دلار کاهش درآمد ارزی داشتند. بنزین در آمریکا قیمت آب پیدا کرد و آب در این کشورها قیمت بنزین! امروز نوبت او خواهد بود جوابگوی ظلم خود به امت اسلامی باشد. به همین دلیل عمدا برای مرگ ملک عبدالله در سایت بینانیوز نظری نگذاشتم و شعر او را هدیه مقام متخلف ایرانی کردم. مقام ارشدی که در تلویزیون آمد و گفت چرا من؟ چرا دیگر بیت المال خورها نه؟ چرا نمی پرسید زمینهای لواسان را چه افرادی با نفوذی تصاحب کردند؟

یدا یدا ابی لهب

گنه نکن به زیر لب

بریده باد دو دست بد

به تب به تف ابولهب

عموی هرچه مال بد

طلاق دختران خوب

تقاص هر جواب خوب

زنت نبود حصار تو

عدد نبود بسان تو

زنت حمار هیزم است

خودش مثال هیزم است

سیصل سیصل برو به نار

بمان بمان به یاد نار

حطب حطب چه بد حطب

بسوزدت ز هر طرف

مسد مسد به گردنت

کجا برند حکایتت

به من که بار خود برم

به بار خود تو را برم

برم برم به گور خود

سیاهه سیاه خود

من هم یکی ابولهب

تو هم یکی ابولعب

لهب لهب به حد لهو

لعب لعب به حد لغو

به من نگو تو از خطا

خطا کنم به صد خطا

خدا به ما کمک کند

کمک کمک، کمک کند

من هم خدا خدا کنم

نه جز خدا صدا کنم

- نظر دیگر من راجع به بیت المال خورها در سایت بینانیوز (۱۳۹۳/۱۲/۲۰) ذیل گزارش بازداشت رییس دانشگاه به اتهام اختلاس فایل ۱۳۶. نشان می دهد عمق فاجعه جرم و جنایت مقامات متخلف عمیق تر و وسیع تر از آن است که بشود با بگیر و ببند های معمول آن را کنترل کرد:

برای آنکه بدانیم کشورهای اسلامی چقدر پیشرفته اند اول باید ببینیم با دین و دنیای خود چه کرده و می کنند؟ بعد پرسید با دیگر معیارهای جهانی چه کرده اند:

- با بزرگان خود

- با نوامیس خود

- با طبیعت خود

- با فرهنگ خود

- با آثار باستانی خود

- با منابع زیرزمینی خود

- با نقشه کشور خود

- با آزادی بیان خود

- و .. با مغز جوانان خود

برای همین شعار ارتش "اسلحه، ناموس سرباز است" و شعار اسلام "لااکراه فی الدین" است. با بی سلاحی، مرز کشور ایمن نمی ماند و با تک صدائی وحدت یک ملت (فبشرعبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه زمر،۱۸)، شایسته سالاری و چند صدائی تنها رمز آبادی و آبادانی یک کشور است.

- نظر دیگر من راجع به بیت المال خورها و هرچه خورها در سایت بینانیوز (۱۳۹۳/۱۲/۲) ذیل گزارش دکتر نوبخت: ۷۰۰ میلیارد دلار را قورت دادند حالا طلبکار هم هستند! فایل ۱۱۶:

نه کسی یاور ما بود

نه کسی داور ما بود

نه کسی عارف ما بود

نه کسی شاکر ما بود

به کسی توبه ندادند

به کسی نمره ندادند

همه کس کار خدا کرد

تو نگو بار خدا کرد

چقدر بیم خیال است

چقدر سیم زیان است

چقدر نیش زیاد است

چقدر خویش نیاز است

همه سرحد ندارند

همه سرخط ندارند

همه سرزن ندارند

همه سرضرب ندارند

در هوا نقشه عالم

در قفا نقشه حاتم

پیش خود پیش فرانک

باقیات باقی عالم

بدحجاب با تو حجاب است

با حجاب کار حجاب است

نظری شهر خودت کن

هرچه بد بار حجاب است

رنج پوست رنگ سیاه است

قطع دست دست سیاه است

خشم خلق خشم سیاه است

دفع خشم رفع سیاه است

جزیره میراث خوران فرهنگی:

- نظر دیگر من راجع به بیت المال خورها و هرچه خورها در سایت بینانیوز (۱۳۹۳/۱۲/۲۷) ذیل گزارش فساد میلیاردی این بار در میراث فرهنگی فایل ۱۳۸:

بعدی کلی جدال بر سر ساخت برج جهان نما که چهره میدان نقش‌جهان اصفهان را مخدوش کرده بود و هنوز هم بر سر آن بین میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و شهرداری استان اصفهان اختلاف عمیقی وجود دارد که به هر دلیلی اگر به تعهدات خود عمل نکنند این میدان از فهرست میراث جهانی خارج و به توریسم کشور آسیب شدیدی می زند! در اردیبهشت امسال (۱۳۹۳) بحث جدیدی در سطح کشور بالا گرفت و آن امکان خروج کاخ گلستان از فهرست آثار جهانی یونسکو به جهت عدم رعایت حریم کاخ گلستان و ساخت سرای دلگشا و ساختمان شماره ۲ قوه قضائیه با ارتفاع بیش از حد مجاز است! کی مقصر است؟ بماند! ایراد از سکوت قانون است بماند!

اما یک نفر در این مملکت نیآمده بگوید خط قرمز آثار تاریخی و محدوده محیط زیست کشور تا کجاست؟! حتما باید یونسکو وارد عمل بشود؟ آن موقع که اینها ساخته می شدند مگر یونسکو بود؟ یونسکو کیلو چنده؟ افتخار یونسکو به ماست.

چرا برای خود، تاریخ خود، جغرافیای خود، آثار باستانی خود، مرزهای سبز کشور خود ارزش قائل نیستیم؟ بعد انتظار دارید ما را کشور متمدن بشناسند؟ خلیج فارس را فارس بنامند؟ بعد از ما نسل بعدی از ساخته های ما حفاظت کند! آثار دزیده شده ما را غربی ها به ما برگرداندند؟ قرنهاست غرب عتیقه خر و شرق عتیقه فروش است! آنها ۲۰۰ سال بعد آثار تاریخی و مدرن خود را خواهند داشت و هم صاحب زیرخاکی و روخاکی جهان سوم که مردمانش محتاج یک دلارند!

تا آن موقع دور نیست چهار آثار به جا مانده این کشورها به یمن بی کفایتی مدیران و کشور فروشی مردمان حریص و بی بته، و نیز بخاطر جنگ های خواسته و ناخواسته بکلی با خاک یکسان شوند و ما بمانیم با کشورهائیکه زیر زمینش از نفت و گاز و معدن و آثار تاریخی تهی و روی زمینش نسلی پیر و فرتوت دارد که حتی بدرد کارگری هم نمی خورند! در همین ایران ما خودتان قضاوت کنید در این ۳۵ سال پس از انقلاب کجای کشور از شر دشنه و کلنگ و اره ایمن

بوده است؟ ارک بم یا ارک تبریز؟ ارتفاعات البرز یا زاگرس؟ مقبره رضا شاه یا کوروش؟ کتاب فلان یا کتیبه بهمان؟ دریاچه ارومیه یا دریاچه گهر و.. همه کشورهای اسلامی به یک اندازه اعم از شیعه و سنی به آثار ملی، مذهبی، زیست محیطی عالم اسلام بی قید و بی تفاوت بودند و من از این جهت خود را اولین مسلمان تواب می دانم.

ای خدا، ای نبی، ای علی، ای مومنین ناظر اعمال ما مسلمانها، ما را ببخشید که آبروئی بر اسلام نگذاشتیم، از خود دفاع بد کردیم، هرچه بردیم نوش کردیم و هرچه خوردیم قی کردیم (مراجعه شود به مقاله خلقت زیبا. زمین زیبا. کعبه آمال زیبا. خالق زیبای زیبا، ۱۳۹۹ در همین سایت).

- اینهم یک نمونه از زمین خواری کشور همسایه افغانستان و نظر من ذیل خبر مقامات ارشد و حکایت زمین خواری برادران! سایت خبرگزاری جمهور افغانستان ۲۵ جدی ۱۳۹۱.

دیشب تلویزیون بی بی سی هم نشان می داد در افغانستان هم زورمداران میلیونها جریب زمین را غصب کرده اند! یاد کشور خود افتادم و پیش خود گفتم چقدر ما هم مسلکان که یک ثانیه نمازمان ترک نمی شود و به کمتر از بهشت رضایت نمی دهیم در گناه های ملی هم کاره ایم در فساد های قومی همه پایه ایم و در خواب های منطقه ائی هم خانه ایم. تا زمانیکه این کشورها ها رشد نکرده اند و در پروفیل جمعیتی ایشان نسبت انسانهای فرهیخته، میهن دوست و دین دوست به آدمهای دوپای معیوب فرصت طلب زمین خوار بیسواد معتاد متجاوز متجاهر و.. یک به میلیون است تصاویر ماهواره ائی ما یکسان و خلاقیت های اجتماعی ما این سان است.

- نظر دیگر من در سال جدید راجع به بیت المال خورها و باز در سایت بینانیوز (۱۳۹۴/۳/۱۸) ذیل گزارش معاون رییس جمهور: در آن ۸ سال ۸۰۰ میلیارد دلار خورده شد. فایل ۱۷۰. آب هم به این راحتی خورده نمی شود که اینها بیت المال را خوردند:

تعهد ما به اسلام به اندازه مقدار موی ریش و حجاب سرخویش است. نمی شود ریش گذاشت و رشوه گرفت، جای مهر گذاشت و اختلاس کرد، آیات قرآنی را مفت فروخت، آیات شیطانی را به قیمت خرید! خانم های محجبه هم همینطور. صحبت از زن مومنه و مرد مومن است. **نمی شود حجاب بر سر کرد و در زیر آن کنز جمع کرد**. ریش و حجاب لباس رزم مرد و زن مومن است. پرچم اسلام است. هرکس ندارد نگذارد. زیرا رنج داشتنش در دراز مدت بیش از نداشتنش هست. نشانه ایمان، بلندی ریش و گرفتگی صورت نیست. ذکر بر زبان و ورد بر دهان نیست. اینها را خوارج بهتر از ما بلد بودند. نشانه ایمان اینست که فردی از کل مسئولین دیروز و امروز کشور دست خود را بلند بکند و بگوید: من نخورده ام! من نبرده ام! من نگرفته ام! سرمایه دنیایم علم و ایمان من است و سرمایه آخرتم پرونده پاک من است.

امروز اتفاقا یکی از دانشگاهیان به من می گفت همه چیز در این مملکت جور است جز تعدادی آدم ناجور که مزاحم امور هستند! منظورش این بود که این افراد بیخود و بی جهت صف را به هم می زنند. پیش خود گفتم عجب نفرتی از

این افراد قلیل در جامعه اسلامی ما وجود دارد. خدایا چرا حق ابوذرها در طول تاریخ محرومیت و در نهایت تبعید به ربذه است؟

گفته ها دارم خدا

سفته ها دارم خدا

روز و شب این دل خدا با جان و دل خواند تو را

هرچه دم دادی خدا از دم تو را خواند خدا

این چه رودی است بر دلم

بر چه سوئی است این دلم

من چه دارم در دلم

شاید تو را دارم خدا

تو کجا و من کجا

اینجا کجا آن کجا

هر سحر با هر نماز تا هر زمان خوانم تو را

آفتاب تا سر زند دائم تو را خوانم تو را

ای خدای مهربان

ای خدای مصطفی

فرمان تو بر نفس ما چون نقص ما

این نکن یا آن نکن

آن فعل بد دیگر نکن

از صمیم گفته هاست

تا به خود گوئیم

نماندیم تا نود

چون نخواندیم تا نود

کار نیک گفتی بکن

با هرکه نیک نیکی بکن

پند نیک-پندار نیک

گفت نیک-کردار نیک

من نکردم نیک نیک

نیمی به ریش نیمی به خویش

ریش ریش بیمار ریش

خویش خویش پندار ریش

ریش پاک آثار خویش بر روی خویش

ریش خاک آثار خاک بر ریش خویش

ریش حجاب هر بدی است

با هرحجاب یک برتری است

ریش خود دادی هوا

بر خود نخواندی جز هوا

زینت دیگر ندارم ای خدا

با حجابم بی حجاب

با لباسم بی لباس

با خدایم بی خدا

ریش من ابزار من

خویش من افسار من

لفظ پاک دنیای پاک

قلب باز دنیای باز

- باز نظر دیگر من راجع به بیت المال خورها و باز در سایت بینانیوز (۱۳۹۴/۳/۱۸) ذیل گزارش آیا نفت، دوباره اقتصاد ایران را زمین می‌زند؟ فایل ۱۷۳:

اگر به من بود انیمیشن پول نفت تهیه می کردم و به کمک تصویر دوستداران پروپا قرص دلارهای نفتی را از دیرباز نشان می دادم. از تولید تا مصرف. چگونه از چاه ها به صورت جوشان و غلیظ و به رنگ سیاه بیرون می زند. چگونه بشکه می شود. ارز می شود. مقداری از ارز حاصله در خارج از کشور می ماند تا ذخیره روز مبادا بشود. مقداری خرج خارج نشینان هم مسلک و هم مرام می شود. بالاخره از قدیم و ندیم بزرگی و پولداری خرج داشته و دارد. نیازمندان خارجی به صورت سنتی به درآمدهای نفتی ما چشم دوخته اند و سهم خود را می خواهند. بخصوص اگر رقابت های بین المللی هم مطرح باشد. اما اصل درآمد وارد کشور می شود. مردم داخل کشور معتاد پول نفت هستند. پول نفت مثل ارث و بلکه بیش از آن موهبت الهی برای کشورهای دارنده چاه های نفتی است.

قدرت مدیریت های این کشورها وابسته به پول نفت است. بخور- بمیر- بمان به برکت پول نفت است. پول نفت شمشیر دو لبه است: یک لبه اش خواب آور و فساد آور و لبه دیگر آن بالندگی و پایندگی است.

اگر پول نفت به دلار در می آمد و به دینار حساب می شد و به دلار خرج می شد امروز باید این کشورها در رقابت تنگاتنگ با کشورهای پیشرفته بودند. چون چنین نیست پس می شود نتیجه گرفت لوله های نفتی نشتی زیادی دارند.

گروه های خاص در امتداد این لوله ها بیتوته می کنند و با سوراخ کردن آن سهم خود را می برند. اگر لوله ها ضخیم بودند و مته مناسب برای سوراخ کردن آنها نبود وقت خود را تلف نمی کنند و به سرعت به شهرهای بزرگ و به پایتخت های خود بر می گردند و کنار گاو صندوق های بانک مرکزی خود اسکان دائم می یابند و هر بار که در این گاو صندوق ها باز می شود آنها هم بدون دلواپسی سهم النفت خود را به صورت اختلاس چک بر می دارند.

ایشان ساکنین دائمی حرم امن ارز نفتی هستند. در ایران می گویند ۸۰ درصد ثروت کشور در اختیار ۲۰ درصد مردم است. این نشان می دهد پول سرشار نفت به ما نیآمده است. هیچ اتفاقی هم نیفتد قدرتهای بزرگ با تحمیل یک جنگ زرگری این کشورها را به روز نخست خود بر می گردانند.

به چپ چپ تا به چپ ما چپ نرفتیم

به راست راست تا به راست ما راست نرفتیم

به خود گفتیم که راست از چپ به راست است

اگر چپ چپ کند ما راست نرفتیم

جماعت راست و چپ با هم یکی بود

به جز در کار شب با هم یکی بود

زمان را با خدا قسمت نکردند

همه دیدیم به دزد دوران یکی بود

به شب شب تا به شب دزدانه رفتند

ندیدند چشم ما شاهانه رفتند

به ما گفتند که شب بیرون نباشید

سحر تا دیده شد میخانه رفتند

شبیه دزد ما یک دزد دیگر

شقی دزدها یک شق دیگر

امان دادند همه ایران بدزدند

نصیب گفته ها یک گفت دیگر

به خود گفتیم چقدر دزدی زیاد است

مگر داروغه نیست دزدی زیاد است

به ما گفتند چرا دستان زیاد است

بخور تا می توان دزدی زیاد است

- نظر دیگر من راجع به بیت المال خورها در سایت بینانیوز (۱۳۹۴/۴/۱۰) ذیل خبر واکنش یکی از متهمان دکل نفتی گم شده فایل ۱۸۹. دکل دزدی مهمترین و برجسته ترین خبر سال گذشته بود! واعتبروا یا اولی الالباب.

- من آقا، مثل میلیونها ایرانی شما را نمی شناسم. خادم و خائن بودن شما بر ما مسجل نیست. اما معلوم است کارت با این مدیران داخلی است. با مدیران داخلی کار کردن هم کار هر کسی نیست. قلق خاص خودش را دارد. بده و بستانی باید بین شما بوده باشد. متاسفانه ما در ایران مدیران داخلی را هم نمی شناسیم. اگر پرده تلویزیون ظاهر شدند با چهره مسلمانی و اگر در رادیو صحبت کردند با صدای انسانی می شناسیم. اگر یکی از وابستگان ایشان فوت کرد از متن پیام های تسلیت در می یابیم کی با کی فامیل است و اگر محکوم به اختلاس شدند تازه می فهمیم نفاق تا کجای نظام رسوخ کرده است. امروز دکل گم می شود، فردا یک لوله نفت و پس فردا یک گاو صندوق رمزدار بانک مرکزی. این نشان می دهد خدا در این کشور فراموش شده است. لذا باید کار عاجل کرد. مبارزه با معلول به شکلی که امروز قوه قضائیه را درگیر خود کرده آب در هاون کوبیدن است. مسکن است. ما شدیم مصداق آن شتری که وقتی پرسیدند چرا گردنت کجه؟ گفت کجام راسته.

آقایان یا باید ثابت کنند در مملکت قحط رجال است و یا اعتراف کنند انتخاب اصلح نمی کنند.

بعضی صحنه ها را که آدم از سیمای ایران می بیند می فهمد بعضی از ایشان یک کلاس سواد معرفتی مکتب نبی و علی را هم ندارند. بطورمثال اسفند ماه ۱۳۹۲ تلویزیون ایران در برنامه ۲۰:۳۰ نشان می داد بعضی از مدیران دست اندرکار فوتبال ایران برای عیادت سرمربی فوتبال به خانه ایشان رفته بودند. موقع خروج از داخل خانه همه افراد حاضر در صحنه در حال چیدن میوه های تک درخت خرمالو حیاط او بودند. رئیس فدراسیون در یک دستش سه خرمالو بود و با دست دیگرش در حال چیدن میوه دیگر بود! بقیه هم شاخه های درخت را پائین آورده و کار مشابه می کردند! به خود گفتم امثال ایشان که به یک درخت خرمالو رحم نمی کنند به بیت المال چرا رحم کنند!

اینها که از دوربین تلویزیون واهمه ندارند از دوربین مخفی خدا چه باکی دارند! اینها که به یک میوه خرمالو رضایت نمی دهند چرا از میوه های شاداب بیت المال بهره ها نبرند.

خلاصه کنم اکثر مدیران ما مشکل دارند. می فرمائید نه! از خود ایشان سئوال کنید، از خوب ترین های ایشان نام ببرید. بگویند ابوذرند، بگویند سلمان اند، بگویند مالک اشترند. بگویند در اردوی اسلام اند. متاسفانه چشم اطرافیان هم به دست روساست: اگر از باغ رعیت ملک خورد سیبی/برآورند غلامان او درخت از بیخ. ما هم در آستانه رسیدن به وقت افطار که باید در سفره خدا حاضر شویم و برای خود و خانواده خود و آینده این کشور دعا بکنیم ملامت بشنویم که دیدی این آقایان در حد کشور اسلامی ظاهر نشدند، در حد یک مانکن معمولی هم الگو نشدند.

- نظر دیگر من راجع به بیت المال خورها و باز در سایت بینانیوز (۱۳۹۴/۵/۶) ذیل گزارش نوبخت: مدارک لازم از تخلفات دولت قبل موجود است فایل ۱۹۹.

باز توسل به نقد و نثر و نظم. فقط کارتن بلد نیستم. چقدر جرات دارند و چقدر صبر دارند و داریم برای گفتن و شنیدن اینهمه فساد در یک کشور انقلابی شیعی که عدالت یکی از اصول مذهب اوست:

اگر همه کارها بدرستی پیش برود و از این ببعد یک مورد اختلاس و انتصاب غیرشایسته را شاهد نباشیم، مجازات دست بردگان به بیت المال، آهن گداخته دست عقیل باشد، خزانه داری کشور بدست یوسف حافظ و علیم باشد (حَفِیظٌ عَلِیمٌ) و نه وزارت خانه های یکی برای من یکی برای تو مردم تغییر را بصورت زیرپوستی احساس کنند به این دو بیتی می توان امیدوار بود:

زر ورقی می رسد/ برگ و بری می رسد/دیده گشا دید من/مرحمتی می رسد

اما اگر باز خبر از تکرار حوادث تلخ گذشته باشد، اخبار از نوع تاراج اموال عمومی باشد، مردم از اسلام گریزان باشند، عمل به گناه برای کوری چشم باشد، رفتن به دامن دشمن به هر قیمتی باشد، تفاوت پشت و رو آدمها بین زمین و آسمان باشد.

من متن زیرا که در بیست و ششمین روز ماه مبارک رمضان (۱۳۹۴/۴/۲۲) حین خواندن قرآن در شبهای سحر به آیات ۱۰۰ ببعد سوره الشعراء رسیدم و شرح حال گمراهان و جیش شیطان افکنده شده در جهنم است را توصیه می کنم.

شروع آیات اینگونه است:

فَمَا لَنَا مِن شَافِعِینَ– نه شفاعتگرانی. وَلَا صَدِیقٍ حَمِیمٍ– و نه دوستی نزدیک. ایکاش بازگشتی بود تا از مؤمنان می‌بودیم.

نه شفیعی نه صدیقی نه حمیمی، به کدام چشم بخفتیم، به کدام شهر بگشتیم، به کدام مرگ بمردیم! جمع ما جمع ظلوم است، نه علمدار خدا بود، نه زماندار خدا بود، نه بنین (فرزندان) ضامن ما بود، نه قدیم حافظ ما بود. نه عمارت ابدی بود، نه صدارت ازلی بود، همه عمر دیده و گفتیم که خدا حرف قدیم است، هرچه هست روی زمین است! همه عیش نوش ضمیر است، همه فن حرف زمین است! چقدر راه زمین بود، به زمین باز نگردیم که دگر کاره نباشیم، همه کار کرده و کردیم! همه بار بسته و بستیم! نه عبر عبرت ما بود، نه اثر حکمت ما بود! به کسی نامه ندادیم، به اسیر جبه ندادیم، به عزیز مژده ندادیم، به رفیق حله ندادیم. نفسی تازه نمودیم که به کذب وصله بدوزیم! به نبی گوش ندادیم، به جزا هوش ندادیم، احدی با تو نبودیم، نه زبان ذکر تو را گفت، نه اذان حرف تو را گفت! همه از قوم بدان ایم، بد بد قوم لواط است، بعد آن قوم ظلوم است، بعد آن قوم جهول است، قاتلین جرم گناهند، فاسقین فسق گناهند. روز محشر چه عجیب است، به خدا روز نجیب است، صالحان ساکن کوی اند، خاطیان خرد و خمیرند!

- باز شعری در مورد آقایان بیت المال خور (تکرار در پوشه/دسته اشعار):

خاطرم آمد تو ما را خورده ائی

یا که با ما یک کتابی خورده ائی

خاطرت آمد چه ها را خورده ائی

سفره بی توش مردم خورده ائی

شش هزار آیات حق را خورده ائی (دقیقا ۶۲۳۶ آیه قرآن)

حق مردم نابرابر خورده ائی

خاطرم آمد که تو کم خورده ائی

هی تو گفتند کم بخور کم خورده ائی

توش تابستان زمستان خورده ائی

توشه های ده گلستان خورده ائی

هرچه دیدی نوش جان آن خورده ائی

روزی صدها مسلمان خورده ائی

مرده باشی نار مردم خورده ائی

زنده باشی نان مردم خورده ائی

سهم سهم صد هزاران خورده ائی

گرم و نرم صد دیاران خورده ائی

غصه ها گفتی به مردم خورده ائی

قصه ها خواندم که مردم خورده ائی

من که گویم مار و عقرب خورده ائی

تا نگویند مال مردم خورده ائی

هرچه دیدی بر تو دادند خورده ائی

بین بانکی پول مردم خورده ائی

خواروبار اهل ایران خورده ائی

کار زار مرد تنها خورده ائی

درد درمان سهم مردم خورده ائی

خاک عالم نفت ایران خورده ائی

بشکند دندان تو بد خورده ائی

دمبدم دیدم تو را بد خورده ائی

- نظر دیگر من در سایت بینانیوز (۱۳۹۴/۶/۷) ذیل خبر رییس‌جمهور: چرا آنقدر حرف حق تلخ شده است؟ فایل ۲۱۲: حقیقت وقتی تلخ می شود که کسی را گوش شنوائی نیست، کسی را ترس از عواقب کار خود نیست، کسی را به آینده دور امیدی نیست. باید لباس مبدل پوشید و بین مردم رفت تا آتش زیر خاکستر را با تمام پوست و گوشت خود حس کرد. باید مرتب تاریخ گذشته را خواند و از آن عبرت گرفت. باندبازی در کشور بیداد می کند. قانون گریزی دارد به یک سنت حسنه تبدیل می شود! منافع طلبی اسلام را ذبح روزانه می کند. آنچه می خشکد زبان نقد است.

دست مظلوم کم کم به جائی نمی رسد. فقر و بی اعتقادی دو رکن دین گریزی محصول کار دینداران و حاصل جمع آن جوانان است. **آنچه تلویزیون نشان می دهد فیلم است**. همه چیز خوب است آهنگ است. ذیل این متن شعر است. از آن طرف هرچه رئیس جمهور محترم و معدود مقامات دلسوز می گویند درد است. از درون خالی شدن بزرگترین آفت است. کاری که موریانه می کند و آنچه ما از عصای سلیمان نبی به یاد داریم.

همه جا رفتم و رفتم

همه جا دیدم و دیدم

همه جا گفتم و گفتم

نه کسی خانه نشین است

نه کسی باده نشین است

نه کسی ساده نشین است

نه کسی برده و خورده

نه کسی خورده و برده

نه کسی برده و مرده

نه کسی خانه خراب است

نه کسی ساده خراب است

نه کسی مانده خراب است

همه در کوی خدایند

همه در سوی خدایند

همه در نور خدایند

همه آیات خدایند

همه سادات خدایند

همه اولاد خدایند

به عمل احسن اعمال

به یقین افضل ایقان

به یمین اکمال ایمان

نه کسی خالق دنیا

نه کسی ناظر دنیا

نه کسی مانع دنیا

خطوات رانده به هر سو

جزوات داده به هر سو

نظرات داده به هر رو

نه خدا گشته فراموش

نه گنه بوده در آغوش

نه کتاب سایه خاموش

همه روز توبه و توبه

که مباد مویه و مویه

که نزاد سوره و سوره

نتوان ماند به یاغوت

نتوان خواند به ناسوت

بتوان ماند به لاهوت

- از بس مقلد هم بودند و از بس از پشت پرده دارائیهای هم خبر دارند تا یکی گیر می افتد اولین حرفی که می زنند اینست چرا من؟ چرا فلانی نه؟ دنیا زده هائی که یادشان رفته است مدیر یک کشور اسلامی هستند. فراموش کرده اند پست مدیریتی یک شغل نیست یک وظیفه خطیر است، عبادت است، آش نخورده و دهان سوخته است. لذا با عملکردهای سخیف خود مقامات صالح کشور را به دردسر می اندازند. بعد هم تلاش همه جانبه که شاید حفظ آبرو بشود! در حالیکه باید بدانند می شوند سوژه غرب و شرق، می شوند پتک دشمن علیه اسلام. می شوند داستان هابیل و قابیل که هر وقت در طول تاریخ صحبت از نظام اسلامی شد شیرین کاریهای آقایان رفرانس بشود.

لذا باید از همه روشهای کلاسیک و مدرن و نیز نرم افزارهای متعدد برای پیش بینی وجود یا عدم وجود جزایر گوناگون در ژنوم آنها استفاده کرد. روشهای فعلی که اتکا به فامیل و اصل و نسب، سید و سیده بودن و توصیه ها و ظواهر افراد و..است دیگر جوابگو نیست. **نتیجه اش در بهترین حالت حفظ وضعیت امروز است. امروز هم آئینه فرداست.**

چقدر وقیحانه است این سخن و چقدر امر مشتبه شدن است بر هر فرد مدیر که من آنم که رستم بود پهلوان! او می گوید "من از پست خود کنار نمی روم (ریاست فدراسیون کاراته) زیرا بدهکار مردم و نظام ام. می ایستم تا بدهی خود را پرداخت کنم. فرد بدهکار که نمی تواند بگوید خسته شدم و خداحافظ. مگر آنکه تصمیم گیرندگان بگویند برو جایی دیگر بدهی ات را پرداخت کن"!!

یک نفر آمد بگوید خاتم

یک نفر آمد بگوید حاضرم

یک نفر آمد بگوید قاصرم

یک نفر آمد بگوید ناظرم

یک نفر آمد بگوید حاسبم

یک نفر آمد بگوید نادمم

یک نفر آمد بگوید ناصرم

یک نفر آمد بگوید نادرم

یا بگوید نادمم چون قاصرم

نادرم چون ناصرم

من ندیدم نادری

من ندیدم ناصری

من ندیدم حاسبی

من ندیدم حاضری

هرچه دیدم کاسبی است

هرچه دیدم رافضی است

لفظ دین را حافظ اند

نقش دین را کاذبند

لفظ ها هرخانه است

نقش ها یک خانه است

تا ندیدی فکر ماست

چونکه دیدی فعل ماست

وارهاندی برده ائی

جا تو ماندی مرده ائی

قطعه باغ است زندگی

قطره جان است زندگی

- این هم مناجات من دو دقیقه مانده به هنگام اذان صبح روز جمعه مورخ ۹ بهمن ۱۳۹۴ (تکرار در مقاله عرفان بر پایه سه یا پنج رکن؟ در همین سایت،۱۳۹۵)

در این صبح اندیشمند

در این صبح بیدارمند

تو ما را به خود خوانده ائی

تو آیات خود را به ما داده ائی

نخوانم چرا؟

ندانم چرا؟

نکاوم چرا؟

نبارم چرا؟

تو ما را به خود خوانده ائی فر شویم اهل عالم شویم

دوبند این دو عالم شویم

مهستان به درب شبستان شویم

تو را در نماز خوانده باشیم بس است

تو را آسمان دیده باشیم خوش است

به رزق و به روزی تو ما را فراخوانده ائی

بجا مانده باشیم خریم

به خواب بوده باشیم نریم

که شب وقت خواب است

نه خواب خراب

که وقت حیات است نه وقت ممات

که وقت نبات است نه وقت بنات

خدا را به لب خوانده باشیم فراروی ماست

به دل خوانده باشیم دل آویز ماست

چقدر رزق و روزی تو دادی به ما

ز ما شکر نعمت ندیدی خدا

کفر نعمت چرا؟!

رنج نقمت چرا؟!

مگر غصه ها یاد تو رو کند

به ما غصه ها یاد تو دور کند

تو را یاد کنند یاد حکمت کنند

یاد نعمت کنند

به رحمت بود راه ما راستی

به زحمت بود کار ما کاستی

- اما اشخاصی که می گویند افشای این اخبار و شنیدن اظهارت و توجیه اعترافات برای نظام هزینه دارد پاسخ من به ایشان ذیل خبر"پرده‌برداری از یک "بیماری وحشتناک سیاسی" در نامه رحیمی" مورخ ۷ بهمن ۱۳۹۳ سایت بینانیوز (فایل ۱۰۱) است: اما برای اسلام و آینده نظام مفید به فایده است. قوت قلب برای همه آن کسانی که انقلاب کردند اما به مرور منکر حضور خود در اول انقلاب شدند. قوت قلب برای خانواده شهدا که نگران خون شهدای خود بودند. اگر دشمنان خارجی و نادانان داخلی می گذاشتند ایران امروز کشور برتر منطقه بود. چند چشمه موفقیت ایرانیها در همه عرصه ها نشان می دهد ایران بالقوه یک ابرقدرت کوچک است. اما دوست نماها و دشمن پرورها مگر می گذارند!؟

حرمله ها سینه ما دریدند

هرچه پری از دم در رمیدند

فتنه گران فتنه خود خریدند

نام فرو جای نیکو خریدند

در این مدت یک نماینده نیآمد لیست درآمدهای ریالی و ارزی، مسافرتهای داخل و خارج، مسافرتهای زیارتی و تجارتی، املاک و مستغلات، افرادی را که رقیب زدائی کرده اند و.. را به مردم اعلام کند! یا نیآمدند بگویند فرزندان ایشان مدرک تحصیلی کدام کشور را دارند؟ درخانواده محترمه فرد مجرد هم دارند؟ ازدواج فرزندان در چه سنی بوده؟ بیکار هم دارند! طلاق هم دارند!! خارج نشین هم دارند؟ این آقایان با تقید و تعهد به کدام اصول قرآنی و اسلامی خود را اصولگرا می خوانند؟ چرا باید نمایندگان یک ملت انقلابی از دست این و آن انعام بگیرند.

آن یعنی شهرام جزایری و این یعنی آقای رحیمی.

هیچ عذری از هیچ کس در این مملکت اسلامی پذیرفته نیست. گناه هرکس پای خود آن شخص نوشته می شود. من بخاطر تو چنین و چنان کردم عذر بدتر از گناه است. اولین وظیفه هر فرد در یک نظام اسلامی در برابر خطاهای کوچک و بزرگ دیگران گزارش به موقع به مقام بالاتر است. گناهان کوچک صدمرتبه بدتر از گناهان بزرگ هستند. زیرا که گناهان بزرگ ثمره نادیده گرفتن گناهان کوچک است. شروع خوبی است. مردم از خبر اختلاسها ناراحت اند. اسلام

بخاطر این رفتارها بی دفاع است. دعوت اسلام به سبقت در امور خیر و نیکی و نه شر و بدی است. هیچوقت برای مقامات وقت ثمر چیدن نیست. پاداش ایشان با خدا هست و بس.

شعر مشتانه

فروردین۱۳۹۵

همه جا کار حرام است چه کنم

همه جا کار خلاف است چه کنم

همه خواب اند چه کنم

همه خاک اند چه کنم

شعر مشتانه ندارم چه کنم

آسمان و ریسمان

فروردین۱۳۹۵

آسمان خواب رود

باز رود ناز رود

ریسمان خواب رود

آب رود خاک رود

- برای اینکه بدانیم چکار باید بکنیم این نوشته را تقدیم می دارم که شبیه کار اکثر مجاهدین اول انقلاب و دوره جنگ سرد و گرم است.

تلویزیون بی بی سی فیلم مستندی از شهید احمدشاه مسعود نشان می داد (شهریور ۱۳۹۱) که یکی از افراد نزدیک به او که فیلمبردار هم بود می گفت یک روز آن مرحوم به من گفت بی سیم را آماده کنم تا او با یکی از وزرا صحبت بکند. تا بی سیم آماده بشود مدت زمانی کوتاه طول کشید. وقتی تماس برقرار شد بی سیم را آوردم تا او با شخص مورد نظر صحبت بکند. او در این فاصله خوابیده بود! خیلی زود با صدای من بیدار شد و گفت چشم هایم فرصت یافتند تا لختی بخوابند. بلی که بدون این تعهد پنج شیر، پنج شیر نمی شد.

قابل توجه مقامات کشورهای اسلامی بخصوص کشور پر مدعای ما که هم شنا می کنند، هم کوه می روند، هم مسافرت خارج می روند، هم وسط روز را می خوابند و انتظار دارند امت نخوابد، دزدی نکند، فساد نکند و جالب تر از همه کشور پیشرفت بکند و نظام هم سقوط نکند.

من که یک فرد ساده این مملکت هستم، نه مسافرت می روم، نه میهمانی می روم، نه تفریح جز پشت کامپیوتر دارم، نه پست دارم و نه...خدا شاهد است تا ۱۲ شب هم کار می کنم هشتم گرو نه است. حالا دریابید چرا شب ها علی (ع) خوابش نمی برد، چرا درآوردن خلخال از پای یک زن یهودی (**خطبه ۲۷ معروف به خطبه جهادیه**) برای او سخت گران بود. مطمئن باشید اگر شهید نمی شد غصه های روز او و گریه های نیمه شب او به او مجال عمر طولانی را نمی داد (متن نظر در سایت بینانیوز ذیل خبر تاجگردون: تنها راه مقابله با فساد شفافیت است. ۱۸ مرداد ۱۳۹۳. شماره فایل ۲۷). در ادامه این نظر آمده بود:

اسلام یعنی شفافیت یعنی دو دو تا چهار تا. هرچه کدرتر از اسلام دورتر. از مخاطبین سلام دوم و سلام آخر نماز محروم تر، نمی شود تصدی مقامی را در یک کشور اسلامی بر عهده داشت. ترس از دیر کرد نداشت. ترس از عملکرد نداشت. تندیس ذوالفقار علی را در ورودی شهر نداشت. خواب خوش کرد، ییلاق و قشلاق کرد، غذای گرم خورد، شنای کرال رفت، کوه الوند رفت، مسافرت خارج کرد، برای خود کلاس گذاشت، طبقه تعریف کرد و انتظار داشت همه چیز خوب باشد. کوروش هم آسوده تر از ما در خواب باشد.

کار دگر راه دگر نمانده

۱۳۹۶/۱۰/۸

- شهر به شهر رفته ام شهر به ما نمانده شرح به ما نمانده قاضی شهر نمانده راوی شرع ما نمانده روی سخن نمانده بوی سخن نمانده باکره ها نماندند فاصله ها نماندند کوه زمین نمانده مشعل ما نمانده بستر شهر نمانده رعشه کجا نمانده خدشه کجا نمانده پارک زمین نمانده خاک زمین نمانده از سر شب نمانده بر سر شهر نمانده آب و هوا نمانده جلگه رخ نمانده رونق شهر نمانده روشن شهر نمانده پارک به ما نمانده پاک به ما نمانده جلوه شهر نمانده جوشن جنگ نمانده قلعه شهر نمانده چونکه ادب نمانده چونکه عصب نمانده وای که کم نمانده کودک خرد نمانده نسل دگر نمانده گاز زمین نمانده آب زمین نمانده گالش برف نمانده برف سفید نمانده قله به ما نمانده قبله به ما نمانده نوبت ما نمانده شوکت ما نوبت دولت ما نمانده حرف جدید نمانده حرف حدید نمانده صورت خوش نمانده صیرت خوش نمانده بوی کباب نمانده نون کباب نمانده قصه به ما نمانده مژده به ما نمانده قابل شهر نمانده آدم شهر نمانده کار به کار نمانده کارگری نمانده کاوه سری نمانده زیر زمین نمانده روی زمین نمانده جلوه گری نمانده نوحه سری نمانده دوستی خوب نمانده بوسه دوست نمانده صبح به شب نمانده کار علی نمانده راز علی نمانده اصلح ما نمانده اشجع ما نمانده اصبح ما نمانده کار به این مشکلی نام شهید نمانده کار شهید نمانده نام به نام نمانده کار طبیب نمانده در سفری زود بیا در

حضری زود بیا بار سفر کم بیآر بار سفر نمانده سوره قاف نمانده سوره صاف نمانده سوره صاد نمانده چونکه خدا نمانده در عجبم نمانده کاین همه گنج اینهمه رنج نام دیگر کار دیگر راه دیگر نمانده.

جزیره احتکار دارو و تجهیزات پزشکی:

- سعید نمکی که پیش از تصدی وزارت بهداشت، خود از دست اندرکاران حوزه دارو بوده است اعلام کرد یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار ارز تجهیزات پزشکی رفته و هنوز دقیقا معلوم نیست چه کسی برده است و چه چیزی آورده و به چه کسانی داده است؟

همین قدر می دانیم برخی به جای واردات "استنت قلب" دو میلیون یورو کابل برق وارد کرده اند! و برای سودجوئی داروهای تاریخ مصرف گذشته را به خرد خلق الله داده اند!

سالهای نه چندان دور هم این از ما بهتران زین اسب وارد کرده بودند! او اعتراف می کند با یک فساد سازمان یافته در دارو و تجهیزات پزشکی و حتی برخی شرکت‌های وابسته به وزارت بهداشت روبرو هست. ابایی هم نداردکه بگوید بسیاری از این شرکت‌های وابسته به هیئت امنای ارزی، هر یک به نوعی مشکل دارند. او قول می دهد تخلفات را پی گیری و شرکت‌های متخلف را منحل کند (۱۳۹۸/۴/۲۴). در این جلسه نمایندگان مجلس از او می خواهند نسبت به تأمین تجهیزات و امکانات بیمارستان‌ها به ویژه سی تی اسکن و سونوگرافی که جزو درخواست‌های مردمی است اقدام نماید. اما از او و از قبل از او نمی پرسند که چرا در این مملکت که آمار مبتلایان به سرطان رو به افزایش است؟ چرا دستگاه ابلیشن (microwave ablation) که برای سوزندان تمور است فقط در دو بیمارستان خصوصی عرفان و مهراد وجود دارد؟ که هزینه یک بار درمان با این دستگاه ۱۲ میلیون تومان است! و خود بیمارستان امام خمینی با داشتن بخش سرطان، مراجعین بی نوای خود را به این دو بیمارستان مذکور معرفی می کند؟ آیا نمی داند و یا نمی خواهد بداند که تهیه این پول از چه طریقی برای این مردم بیچاره میسر است؟

اعظم خانم همسر پرستار مادر اخیرا گرفتار سرطان کبد شد و من از طریق ایشان متوجه شدم که سنگ ها را بستند و سگها را رها کرده اند. ایشان برای تهیه این پول به اوقاف مراجعه کرد، به خیریه بیمارستان تجریش مراجعه کرد. نتیجه اش یا کمک نکردند و یا ۵۰ هزار تومان پول نقد کف دست او گذاشتند تا با آن پول خودش را به خانه مستاجری خود در کرج برساند!! در اوقاف گفته بودند خانم این دستگاه ها گران است؟ گفتم می خواستی بپرسی که از خرید یک موشک هم گران تر است؟ از حقوق های نجومی هم بالاتر است؟ کل کشور امیدش به تهران است و تهران هم امیدش به این دو بیمارستان خصوصی است!! اتفاقا روز عمل، پزشک متخصص بیمارستان عرفان در خارج از کشور بسر می برند و لذا ناچار شدند بیمار خود را در بیمارستان مهراد بستری کنند (۱۳۹۸/۴/۱۷).

اینهم از بهداشت و طبقه منور پزشکان قسم خورده به سوگندنامه بقراط! در زبان ترکی یک ضرب المثل است که می گوید تنها جای سالم بدن من زیر بغل من است (Salim Yarmar Goltokhumon Alati)!!

- نماینده دادستان گفت: اقدامات شبنم نعمت‌زاده دختر نعمت زاده وزیر اسبق صنعت، معدن و تجارت ضربه سنگینی به بخش دارو وارد کرده که این امر منجر به کمبود دارو در سطح کشور شده است (۱۳۹۸/۶/۲۵). **متهمان از سال ۱۳۹۲ اقدام به خرید انبوه دارو کرده‌اند**. همچنین شرکت استراژن دارو، شرکت شفاطب پرتو دارو، شرکت ایران سرنگ، شرکت البرز دارو، شرکت فارماشیمی، شرکت داروسازی ریحانه اصفهان هم از دیگر شاکیان هستند. ۹۰ درصد از سهام شرکت سهامی خاص دارویی رسا متعلق به دختران نعمت زاده است و ۴۰ درصد از سهام آن را خانم شبنم نعمت زاده دارد. وکیل شبنم نعمت‌زاده در دادگاه گفت:

موکل بنده آماده است به عنوان مالک ۸۵ درصد سهام شرکت، تمام امکانات خود را برای جبران خسارت به کار گیرد (۱۳۹۸/۶/۳۱). قاضی پرونده شبنم نعمت‌زاده از کشف یک انبار جدید متعلق به این متهم در کرج خبر داد (۱۳۹۸/۷/۶). مسعودی‌مقام اظهار کرد: بقیه انبارهای متعلق به متهمان در حال کشف است و متهمان دیگری در این پرونده تحت تعقیب هستند و خروج کالا را دنبال می‌کنیم. او از ابتدائی که وارد دادگاه شد با چادر مشکی بود!!

جزیره فراریان مالیاتی:

امیدعلی پارسا رئیس سازمان امور مالیاتی در برنامه نگاه یک شبکه یک سیما گفت: متاسفانه در کشور ما معلمی که در دورترین نقطه کشور تدریس می‌کند اول مالیات پرداخت می‌کند و بعد حقوق می‌گیرد؛ اما کسانی که درآمد میلیاردی دارند آن‌گونه که باید مالیات نمی‌دهند.

وی پیشتر گفته بود (۱۳۹۸/۷/۱۴) **فرار مالیاتی، عنوانی شیک و ظاهری فریبنده برای واقعیتی است که نام آن دروغ‌پردازی، جعل اسناد و دست کردن در جیب مردم و خوردن حق مردم است**. صریح ترین و رک ترین بیان برای معرفی صاحبان جزایر فراریان مالیاتی کشور. او در مصاحبه بعدی خود پا را فراتر این گذاشت و گفت بررسی لیست بانکی تراکنش‌های مالی حدود ۳۰۰ هزار نفر که درآمدهای میلیاردی دارند نشان داد نیمی از آنان مودی مالیاتی نبودند و نیم دیگر هم کمتر از آنچه لازم است مالیات می‌پردازند (۱۳۹۸/۸/۵). پولداران رانت خوار پست. دزدان بنام مردم و انقلاب. آن موقع می گیرند دست یک دزد مازندرانی را بخاطر ۲۸ فقره دزدی و جرائم دیگر می برند (۱۳۹۸/۸/۲). بلی حکم را اجرا کنید. یک نفر از شاه دزدان و یک نفر از دله دزدان.

وقت آن نیست باد بکاریم طوفان درو کنیم.

جزیره وارد کنندگان قطعات خودرو:

حجت‌الاسلام سید جواد حسینی‌کیا یکی از اعضای هیئت رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس اظهار داشت: واردات قطعات تنها در اختیار ۵ یا ۶ نفر است (۱۳۹۸/۷/۳۰). نایاب شدن برخی قطعات در بازار امر دور از انتظاری نیست

چراکه انحصار، فساد ایجاد می‌کند به طور مثال در برخی موارد قطعه وارد کشور می‌شود اما افراد از توزیع آن خودداری می‌کنند.

از قول من بگوئید

این قوم به خود نیآید

قوم دگر بیآید

قومی که حق ندارد

حق دار خوب ندارد

بر انجمن بگوئید

ساز دگر نوائید

این ساز نوا ندارد

این باغ صفا ندارد

جزیره مفسدین فی الارض:

- اسحاق جهانگیری معاون رئیس جمهور در جلسه دیدار اعضای شورای مرکزی کانون زندانیان سیاسی مسلمان قبل از انقلاب به موضوع مفاسد اقتصادی و سوء استفاده‌های برخی افراد نیز اشاره کرد و افزود: ریشه کن کردن فساد راهی جز نظارت عمومی و پذیرش نقش رسانه‌ها در شفاف‌سازی وجود ندارد و برای مبارزه با فساد نیازمند عزم ملی در کشور هستیم چرا که امروز فساد مثل موریانه به جان انقلاب افتاده و در شرایطی که عده‌ای در کشور به نان شب محتاج هستند، عده ای دیگر در حال چپاول بیت المال هستند (۱۳۹۸/۱۱/۹). این یعنی در شرایط فعلی که کشور با بحران اقتصادی روبرو است مفسدین فی الارض به غارت اموال عمومی مشغول هستند. بدون هیچ مانعی!

گرانی بنزین: پول و خون و پوست مردم را با هم کشیدن مقامات

یک مقام خون را کشید

یک مقام ثعلب کشید

تا که بود خون را کشید

از قند خون خون را کشید

اهریمن هورا کشید

گوشت و پوست با هم کشید

این کجای زندگی است

دین ما دیندار کشید

پول ما پولدار کشید

آل کاپون ایران

- **اکبر طبری فعلا در صدر فهرست دارندگان مجمع الجزایر است (مراجعه شود به نوشته کجا مانده ایم یا نماندیم کجاست، ۱۳۹۹ در همین سایت). یک مجموعه دار کامل، یک سلطان پر نفوذ، یک دارنده مجمع الجزایر از نوع ایرانی. در ایران چند نفر بیشتر شایسته این لقب نیست. زیرا بقیه سلطانها چون سلطان سکه، سلطان پتروشیمی، سلطان خودرو، سلطان قیر، کاغذ،.. تک خورهای یک نیازمندی مردم هستند. ایشان کم نفوذند. کم شعورند. اما سلاطین از خوانین قوانین هستند. حجم نقدینگی و نوسانات قیمت دلار و سکه و مسکن و خودرو را در کشور ایشان تعیین می کنند. روزانه چند ده هزار خانوده را فلج نکنند، خون مردم را به شیشه نکنند، دست از سر مردم بر نمی دارند. تعیین شاخص خط فقر و خط فقر مطلق، خط نکبت را هم با ایشان است. ورودی گورستانها و بیمارستانها را ایشان معین می کنند.**

یک نفوذی موثق در همه ارکان نظام هستند. اسلام را دوست دارند. به اسلام ناب وفادار هستند. با همین جزیره ریشه اسلام را از بن کنده و با بنزین سوپر به آتش می کشند. در هنگام محاکمه علنا اعلام می کنند بی تقصیرند! جرمی مرتکب نشدند! زیرا می دانند پای همه گیر است. داخل و خارج گیر است. جز مردم با همه دوست هستند. از ایران و اسلام آبرو می برند تا هم صد سال مبارزات حق طلبانه مردم ببار ننشیند و هم تا صد سال دیگر کسی جرات حرف زدن از اسلام را نداشته باشد.

دزد اگر بازی کند

دزدان سیه بازی کنند

دشمنان قاضی کنند

دوستان سرافرازی کنند

روزی که خر شمردند

ما را به خر سپردند

خرگه چو من ندیدند

خرمن به خر سپردند

- **بدیهی است هدف این مقاله مطالعه روی ژنوم و جزایر پست افرادی ناپاک است. ناپاکی از یک دروغ گفتن شروع می شود و به بیت المال خوری، رانت خواری، خون مردم را به شیشه کردن، مال یتیم خوری و زناکاری، عرق خوری، قماربازی، هم جنس بازی...ختم می شود.**

این ها نه تنها انسان نیستند بلکه حیوان هم نیستند. یک کثافت به معنی واقعی کلمه هستند. مصون اند بمانند اما بدانند در این تنگنای معیشتی مردم ظلم و فساد فی الارض ایشان از چشم و غضب خدا دور نیست. به خدا که خیلی ها بیخود اول انقلاب اعدام شدند. اعدام حق اینها بوده و نه آنها.

خدا را شکر چند انسانی هم دیده می شوند که ژنوم خود را نه تنها به لجن نیآمیخته اند بلکه به سطح اعلی علیین هم ارتقا داده اند. ده ها و بلکه صدها جزایر ارزشمند وجود دارد که همه ستودنی، قابل ردیابی و پیش بینی است.

- سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۶/۴ خبری از سردار محمدرضا یزدی فرمانده سپاه تهران انتشار یافت که گفته بود: اگر تمام اختلاس‌ها طی ۱۰ سال اخیر را جمع کنیم به عددی حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان می‌رسیم، عددی که در بودجه ۱۰ ساله کشور رقمی نیست؛ هرچند که یک ریالِ آن هم زیاد است.

این اظهار نظر نه دقیق است و نه اعلام آن صحیح است. جامعه به سمت تباهی و بی بندباری می رود. اعتراف به این کمترین هم در یک کشور اسلامی جرم است. قطعا مقدار جرم بیش از اینهاست. پول چند طبقه یک برج سر به فلک کشیده تهران هم نمی شود. کلی پول از ایران گم شده است. کلی پول در کابین زنان مقامات است. در خارج از کشور است. اختلاس جزئی از یک کل کلان است. کافیست از هر خانواده آمارگیری شود در ۲-۱ سال گذشته چه مقدار از ایشان دزی شده است و چه مقدار رشوه گرفته شده است. این را به بودجه کل کشور تعیم بدهید.

سالی که نیکوست پیداست/ در اعتقادات ما پیداست/ در اعمال ما پیداست/ از روئین تنی ماست پیداست. رشوه امسال به پارسال پیداست/ در یک قدمی پیداست/ گفتار که بود پیداست/کردار کی بود پیداست.

به من مگو خوردند

کم یا بیش خوردند

کمی از این کمی از آن خوردند

لیاقت است خوردند

مروت است بردند

نگر کجا خوردند

قیامت هم خوردند

غروب اگر خوردند

غروب بعد مردند

مشخص است خوردند

مسلم است مردند

به یاد ما خوردند

به یاد خود مردند

بهای خون خوردند

شهید ما خوردند

شبیه اگر بودند

شریک ما خوردند

تنها راه علاج این تبهکاری: نظارت-نظارت-نظارت

(۱۳۹۹/۷/۲۱)

۱- اسلام بهترین راه حل را در این موضوع ارائه نموده است: کوچک نشمردن گناهان کوچک. زیرا بی توجهی به گناهان صغیره بتدریج منجر به ارتکاب گناهان بزرگ و حتی کبیره می شود.

۲- حضرت علی (ع) بهترین ناظر برای عملکرد کارگزاران حکومت خود در اقصی نقاط قلمرو اسلام بود.

۳- علم امروز هم همین را می گوید.

درس زبان تخصصی وقتی به این جمله رسیدم یاد کشور خود افتادم. اگر فساد است. و اگر اختلاس است. و نیز اگر فرزندان مقامات بین ایران و آمریکا رفت و آمد آزادانه می کنند. پول کشور را در بانکهای خارجی پس انداز می کنند. چند میلیارد دلار ارز ناشی از صادرات کالای ایرانی را به کشور باز نمی گردانند دلیلش عدم نظارت هوشمند است. بستن چشم بر گناهان کوچک مقامات و فرزندان ایشان است. اعتماد گناه آلود به بستگان عوامفریب خود است. خنثی نکردن نقشه پلید ایشان در نطفه بود. بین باند دوست و دشمن بعضا فاصله به اندازه یک تار مو هست.

Fungi and FLOs are able to overwinter in soil or on plant debris. However, some fungi and FLOs cannot overwinter in northern climates because of low winter temperatures. These pathogens overwinter in southern climates and then are transported by air currents back to northern climates. Disease movement from southern to northern climates can be monitored during the growing season.

ترجمه/تفسیر پاراگراف فوق:

قارچ و شبه قارچ های بیمارگر قادر به زمستان گذرانی در خاک یا بقایای گیاه هستند. با این حال، برخی از قارچ ها و شبیه قارچ ها نمی توانند زمستان را در آب و هوای شمالی زمستان بگذرانند. این عوامل بیماریزا در آب و هوای جنوبی که هوا گرم است زمستان گذرانی می کنند و سپس توسط جریان های هوا به آب و هوای شمالی که هوا سرد است منتقل می شوند.

این ییلاق و قشلاق آزادنه عوامل بیماریزا یعنی شیوع و توسعه بیماری و در میان مدت پیدایش اپیدمهای وحشتناک بیماری که به صغیر و کبیر رحم نمی کند. درخت و باغ و بوستانی باقی نمی گذارد که برای جمیعت کشور امنیت غذائی تامین کند. برای هوای کشور اکسیژن تامین کند. برای مردم کشور آرام بخش با شد و مازاد محصولات کشاورزی/دامی برای کشور ارز آور باشد.

کنترل این عوامل مخرب و حیله گر و بد ذات فقط و فقط از یک طریق میسر است: نظارت مستمر و کنترل رفتارهای مشکوک آنها در طول فصل رشد.

معلوم است آنها از خلاهای قانونی و غیر قانونی بهترین استفاده ها را می کنند. برای هر دری کلیدی دارند. برای هر مقامی پیشکش مخصوص خود را دارند. وعده وعیدهای رویائی برای فرزندان ایشان دارند. باید امان نداد. زندان نداد. اعدام داد. تا جامعه از شر آنها در امان باشد. آبروی کشور محفوظ باشد. دین و اعتقادات مردم زیر سئوال نرود.

هرگونه اهمال/اغماض علاوه بر بروز اپیدمیها (همه گیریها)ی ویرانگر از کنترل خارج شدن آنهاست.

این یک اصل طلائی علم و اخلاق و اعتقادات مردم دنیاست: پیشگیری بهتر و موثرتر و کم هزینه تر از درمان است.

کنترل بیمار و بیماری بعد از شیوع آن کار طاقت فرسا و هزینه بر است. از یک مرحله ببعد کاری از دست بهترین عالم و قاضی بر نمی آید. خدا نکند شاهد فقط و فقط سوگواری باشیم.

سحر آبی به ما دادند نخوردیم

شبیه آب قند دادند نخوردیم

کمی صبحانه بود صبحانه خوردیم

نصیب آسمان در خانه خوردیم

برای گل شدن گلدان نخوردیم

عسل دادند عسل از دست نخوریم

همه القاب شب با ما نگفتند

غذای کامل دیگر نخوردیم

به ما گفتند بمیر گفتیم نمیریم

به ما دادند کباب عمدا نخوردیم

نعم را با غضب یکجا نخوردیم

غذای آخرت اینجا نخوردیم

غضب غمخانه بود عصرانه خوردیم

نعم کش دانه بود شکرانه خوردیم

فضا آسان نبود شب نامه دادیم

به این مادر فلان فحش نامه دادیم

اما مگر به سوء مدیریت های انتصابی ایران پایانی است؟

آقای قالیباف رئیس مجلس در نشست شورای اداری خراسان شمالی اعلام کرد: **ما مدیران سالی ۱۰۴ میلیارد دلار به قیمت سال ۱۴۰۰، ثروت را هدر می‌دهیم!** او ادامه داد منظور بد استفاده کردن ثروت نیست بلکه منظور این است که ثروت خود را از بین برده و به آتش می‌کشیم و بعد منتظریم هر مسیری را دنبال کنیم تا جبران شود. برای مثال فلان شرکت آلمانی بیاید و ۵ میلیارد دلار در صنعت نفت ما سرمایه‌گذاری کند. ما چگونه می‌خواهیم به آیندگان جواب دهیم که پول خود را به آتش می‌کشیم اما برای دریافت ۵ میلیارد دلار اینگونه دست دراز می‌کنیم. آیا ما مدیر و مسئول هستیم؟ (خبر آنلاین، ۱۱ خرداد۱۴۰۲).

ما می دهیم یا می دهند؟

یا با خودی این می دهیم

بر بیخودی گه می دهیم

با هم به هم گل می دهیم

بر مردمان قول می دهیم

اینبار فقط این می دهیم

تا این خبر خط می دهیم

خطاط اگر دیدیم نبود

با خط خود خط می دهیم